

Application of the Critical Paradigm in Explaining the Rejection of the Poor From the Central City to the Peripheral Areas in Iran's Metropolises; Case Example: Mashhad Metropolis and Surrounding Areas

Abstract

Urban transformations in recent decades, particularly in developing countries, have intensified the displacement of economically disadvantaged populations from central urban areas to peripheral regions, a phenomenon increasingly recognized as a major challenge in urban planning. This displacement results from multiple, intertwined factors, including social, economic, cultural, and political forces that restrict access to essential resources and services for marginalized segments of society. The issue highlights the widening gap between affluent and impoverished residents, where rising costs, limited employment opportunities, and inadequate infrastructure in central urban spaces render living there unfeasible for lower-income populations. Consequently, they are often forced to relocate to the city periphery, which, although more affordable, is typically underserved in terms of essential services, quality infrastructure, and socioeconomic opportunities. Understanding this phenomenon requires a comprehensive analysis of the complex interactions among urban morphology, governance, and social dynamics. Urban morphology, which involves the spatial structure and form of cities, significantly affects significantly influences how resources and opportunities are distributed. High demand for housing and rising land values often drive speculative practices, pushing prices beyond the reach of economically disadvantaged groups. Governance structures, on the other hand, play a critical role in shaping urban policies that frequently favor higher-income groups by promoting land-use patterns which prioritize commercial development and upscale housing. Social dynamics, including cultural and identity-based factors, further complicate displacement by fostering environments where such communities face a diminished sense of belonging and lack representation in decision-making processes. This study examines these issues in the context of Iranian metropolises, with a particular focus on Mashhad and its surrounding areas. To analyze this displacement, we employed a dual approach combining qualitative interviews and document reviews, grounded in a critical paradigm. We utilized critical discourse analysis to interpret the data, enabling a nuanced exploration of the narratives surrounding urban displacement and the factors driving it. Through an analysis of language and discourse in policy documents and interviews, we aimed to uncover the invisible forces and power dynamics that shape urban policies and exclude low-income groups from

Citation: Dadash Pour, Hashem; Vahid Bafandeh, Mandana (2024). Application of the critical paradigm in explaining the rejection of the poor from the central city to the peripheral areas in Iran's metropolises; Case example: Mashhad metropolis and surrounding areas, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 29(1), 25-44. (in Persian)

Received: 23 Nov 2023

Received in revised form: 9 Feb 2024

Accepted: 16 Mar 2024

Hashem Dadash Pour^{*1}  (Corresponding Author)

Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran.

E-mail: h-dadashpoor@modares.ac.ir

Mandana Vahid Bafandeh² 

PhD Candidate of Urban Design, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: mana.vahidbafandeh@modares.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.377692.672980>

central urban areas. Structural and social factors jointly fuel the displacement of economically marginalized groups. Limited job opportunities, high housing prices, and soaring living costs contribute significantly to this issue. Speculative practices and rent-seeking behavior further exacerbate the affordability crisis. Power imbalances and top-down decision-making processes often prevent disadvantaged groups from influencing the policies that directly affect their lives. The "right to the city" becomes a critical issue as marginalized groups are frequently denied equitable access to urban resources and opportunities. Identity-based and cultural differences contribute to exclusion, with individuals from diverse backgrounds often-experiencing subtle forms of exclusion, fostering a sense of alienation in the central urban landscape. This marginalization exacerbates social inequality and gradually undermines the cohesion and resilience of urban communities.

Keywords

Urban Poverty, Exclusion of the Poor, Central City, Critical Discourse Analysis



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press

طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی

چکیده

تحولات شهری در دهه‌های اخیر بهویژه در کشورهای در حال توسعه، پدیده‌ای به نام «طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی» را به وجود آورده است. این پدیده که به عنوان یکی از چالش‌های اساسی شهرسازی مطرح شده، ناشی از وجود بخش‌هایی از جامعه است که به دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، ناتوان در دسترسی به منابع و

خدمات اساسی شهری هستند. درک این پدیده نیازمند بررسی دقیقی از تعامل پیچیده بین مورفولوژی شهری، ساختارهای حکومتی و دینامیک‌های اجتماعی است. در همین راستا هدف این پژوهش تبیین انتقادی طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران مشخصاً بر روی نمونه موردی کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی آن است. در این باره، تحلیل اطلاعات با درویکرد مصاحبه و بررسی اسناد، با بهره‌گیری از پارادایم انتقادی و روش تحلیل گفتمان انتقادی، انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که فرصت‌های شغلی محدود، سوداگرایی زمین، نیروهای نامرئی، قیمت مسکن و هزینه‌های زندگی، قدرت، احساس عدم تعلق، حق به شهر، هویت، تفاوت فرهنگی، تصمیمات بالا به پایین، عدالت اجتماعی، اقتصاد رانتی، سیاست‌ها و تصمیم‌ها، توسعه نامتوازن، حمایت غیررسمی حداقلی و عدم خدمات رسانی مطلوب از محورهای اصلی در این حوزه تلقی می‌شود.

واژه‌های کلیدی

قره‌شهری، طرد فقرا، تحلیل گفتمان انتقادی، کلان شهر مشهد

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶
هاشم‌داداش‌پور ^۱ (نویسنده مسئول): استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. E-mail: h-dadashpoor@modares.ac.ir مانا وحیدبافنده ^۲ : دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. E-mail: mana.vahidbafandeh@modares.ac.ir http://doi.org/https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.377692.672980

استناد: داداش‌پور، هاشم؛ وحیدبافنده، مانا (۱۴۰۳)، طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران (مطالعه موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی)، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۹(۱)، ۲۵-۴۴.

طرد فقر از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی

نه تنها به عنوان یک پیامد اقتصادی و اجتماعی بسیار مهم، بلکه به عنوان نتیجه‌ای از فرآیندهای تحولاتی در نظام فضایی، مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد (Smith, 1996; Marcuse, 1997; Harvey, 2008; Sassen, 1991; Logan, 2007).

در زمینه تلاقی بین فقر و طردشدنی و تحقیق در ارتباط با آن، به دلیل تنوع فراوان ماهیت این دو پدیده، سبب فراهم آمدن شرایطی برای ارائه بحث و بررسی با استفاده از روش‌های متنوع شده است. با این وجود، بیشتر تحقیقات در این حوزه به رویکردهای کمی متوجه شده‌اند. بر همین اساس بررسی بیشتر از هشت مرور نظاممند در حوزه فقر و انواع حاشیه‌نشینی نشان دهنده آن است که به طور میانگین بیشتر از ۸۳ درصد از این مطالعات با روش کمی انجام شده است، که از این مطالعات می‌توان به بررسی سیستماتیک انداره‌گیری فقر در کشورهای در حال توسعه توسط اسمیت، جی و همکاران در سال ۲۰۱۵، حاشیه‌نشینی و پوشش خدمات بهداشتی در میان جمعیت‌های بومی، روستاپی و شهری: مروری سیستماتیک در مورد ناپابرجایی‌ها در استفاده از خدمات مراقبت‌های بهداشتی توسط لی و همکاران در سال ۲۰۲۰، بررسی سیستماتیک مطالعات فقر در آفریقا: مسائل روش‌شناسنخانی و پیامدهای سیاست توسط آدامز، جی و همکاران (۲۰۱۷)، درک حاشیه‌نشینی شهری: بررسی سیستماتیک و چارچوب مفهومی توسط پاتل، اس و همکاران (۲۰۱۸) Smith et al., 2015; Li et al., 2020; Adams et al., 2019 و ... اشاره کرد (Patel et al., 2017; Hasan et al., 2019). با تحلیل دقیق از پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و مقالات داخلی و خارجی، آشکار شده است که تعداد بسیار محدودی از مطالعات در حوزه طرد فقر از مراکز شهری به مناطق پیرامونی انجام شده است، که این موضوع به نوعی به اهمیت ویژه این حوزه اشاره می‌کند، به طوری که گارسیا (۲۰۱۹) در پیشنهادات آتی رساله دکتری خود در حوزه فقر با عنوان «شهرنشینی و تاثیر آن بر فقر و حاشیه‌نشینی: مطالعه طولی الگوهای رشد شهری در آمریکای لاتین» اشاره دارد که این حوزه یک خلاً مطالعاتی است (Garcia, 2023). با توجه به افزایش مداوم فقر در شهرها (Smith et al., 1996; O'Connor, 2000; Denton, 1993; Wacquant, 2008; Sampson, 2012; Harvey, 2012; Sassen, 1991; Wilson, 1996; Davis, 2006; Gordon et al., 2012) و تأکید افراد مؤثر در باب اهمیت تبعات طردشدنی فقر به مراکز پیرامون (Slater, 2008; Marcus, 1997; Gordon et al., 2012) مطالعه در این زمینه و ارتباط آن با طردشدنی فقر امری بسیار حیاتی است.

باید توجه داشت که کلان شهرها در این حوزه نیز ریاضی عمیقی از خود به جای گذاشته‌اند (داداش پور و شجاعی، ۱۴۰۱). در حال حاضر، در کلان شهرها، پدیده‌ی طردشدنی فقر از مناطق مرکزی به مناطق پیرامونی نیز به عنوان یک چالش جدی در معماری شهری مطرح است (Hernández, 2020; Patel, 2018; Sheikh et al., 2019; Tran, 2017; Wang, 2020; Zaman, 2019; Abbas et al., 2019; Chen, 2018). این پدیده معمولاً به عواملی مانند افزایش هزینه‌های مسکن، توسعه‌ی شهری نامتوازن، و از بین رفتن امکانات و خدمات اجتماعی در مناطق مرکزی برمی‌گردد (Gupta, 2019). در نتیجه، فقر و افراد با کمترین درآمد مجبور به مهاجرت به مناطق پیرامونی می‌شوند، که این مهاجرت

مقدمه

شهرنشینی یکی از کلان‌روندهای جمعیتی است که در دهه‌های آینده بر سیاست و عملکرد توسعه تأثیر می‌گذارد. در سال ۵۷، ۲۰۲۱ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کردد (World Bank, 2022) و هم‌چنین تا سال ۲۰۵۰ بیش از دو سوم جمعیت جهان (۶۶ درصد) شهری یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه جمعیت شهرنشین در جهان است (Niu et al., 2020).

به عنوان اولین هدف توسعه پایدار، «عدم فقر» به یکی از مهم‌ترین اهداف در سراسر جهان تبدیل شده است (Nilsson et al., 2016; Yuan, 2018; Janz, 2023).

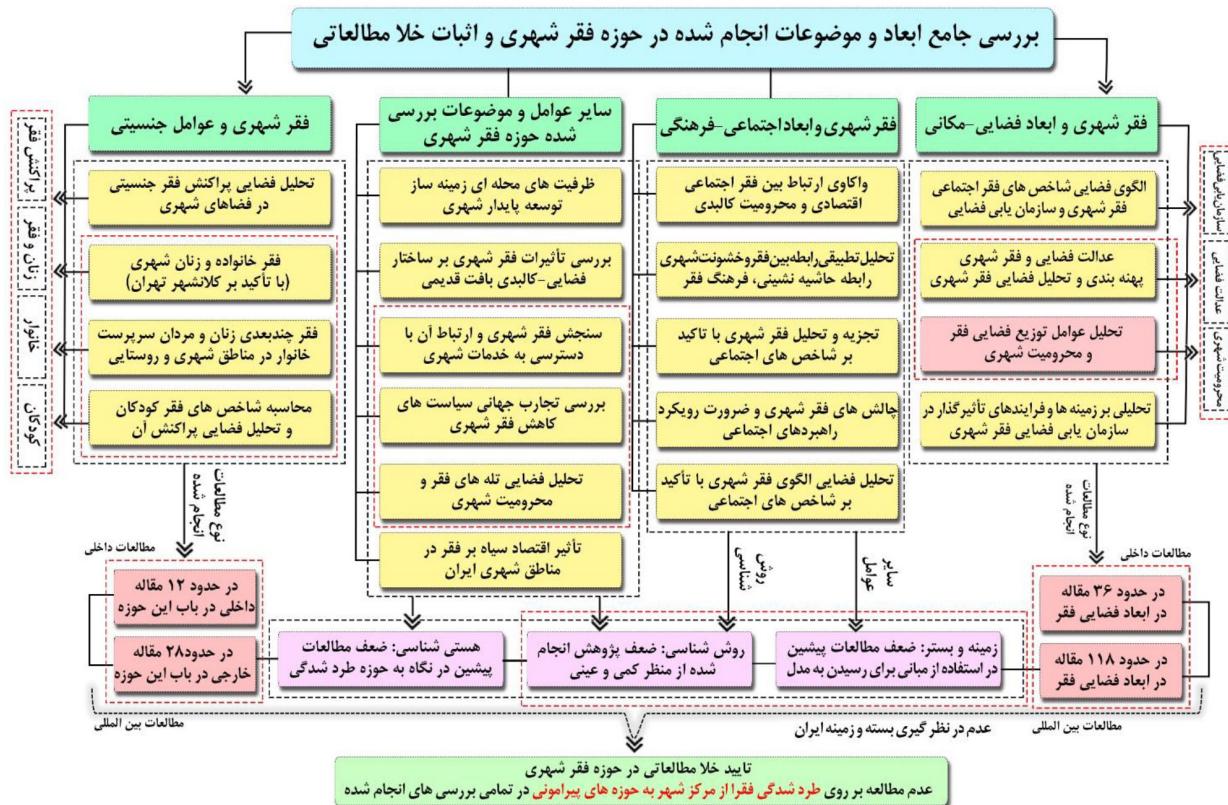
با این حال، دانش ما از فقر هنوز بسیار محدود است و بیشتر درک فعلی ما از فقر هنوز از کشورهای توسعه یافته غربی است (McKay, 2013). فقر شهری به شرایط سطح پایین زندگی از نظر درآمد، مسکن، امکانات عمومی، آموزش و فعالیت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود و یکی از موضوعات مهم در تسهیل سازمان‌دهی و تضمیم‌گیری شهر محسوب می‌شود (Klasen, 2000; Noble, Barnes, Wright, & Roberts, 2010; Meng, 2020). از آغاز در دهه ۱۹۸۰، مفهوم گسترش فقر نه تنها بعد اقتصادی، بلکه جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی و سایر جنبه‌هارا نیز در بر می‌گرفت (Bourguignon & Chakravarty, 2003; Langlois & Kitchen, 2001; Townsend, 1987). یکی از پیامدهای مهم این ناپابرجایی‌ها، طرد فقر از مراکز شهری به مناطق پیرامونی است که می‌تواند به وسیله تغییرات در بازار مسکن، سیاست‌های شهرسازی و رشد ناپایدار شهری رخ دهد (Harvey, 2008; Soja, 2010; Smith, 1996; Mar- cuse, 1997; Press, 1991; Sassen, 1991; Wilson, 1987; Denton, 1993; Sampson et al., 2012).

فرآیند زیاد شدن تعداد فقر در مناطق شهری و گسترش آن به نواحی حومه، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل توسعه جهانی در حال حاضر مورد توجه قرار دارد (Sachs, 2005; Glaeser, 1999; Chakravorty, 2019). باید توجه داشت که پدیده طرد شهری، به ویژه جابجایی سیستماتیک فقر از شهر مرکزی به مناطق پیرامونی، چالش‌های مهمی Marcuse, 1997) را در عدالت فضایی در شهرها معاصر ایجاد می‌کند (Harvey, 2012). هم‌چنین این پدیده منجر به افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر روی نواحی پیرامونی می‌شود و در نهایت باعث Marcuse, 1997) ایجاد ناپابرجایی‌های اجتماعی و فضایی در سطح شهر می‌گردد (Logan, 2007). فقر و ناپابرجایی امروزه به دلیل تأثیرات قوی سرمایه‌گذاری جهانی و رشد شهرنشینی در کشورهایی همچون ایران، به وسیله جریان‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی و گسترش فضای زیست شهری، به وجود آمده است (داداش پور و شجاعی، ۱۴۰۱؛ حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ روستاپی و همکاران، ۱۳۹۳؛ فکوهی و همکاران، ۱۴۰۰). بر پایه نظریه ژئوگرافی شهری، طرد فقر از مناطق مرکزی به نواحی حومه نه تنها به عنوان یک فرآیند اقتصادی، بلکه به عنوان یک روند جامع اجتماعی-فضایی، که تأثیرات گسترشده‌ای روی ساختار شهری و نگرش‌های جامعه دارد، مطرح می‌شود (Soja, 2010; Harvey, 2008). بر همین اساس، طرد فقر از مراکز شهری به مناطق و حوزه‌های پیرامونی

بنظر می‌رسد عمدتاً مطالعات مکانیکی و به دور از زندگی اجتماعی مردم کوچه بازار باشد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به گسترش چشمگیر رشد شهری کلان شهر مشهد در سال‌های اخیر پژوهش‌های بی‌شماری به بررسی فقر شهری (مانند: سلیمانی مقدم و همکاران، ۱۴۰۰؛ فرهادی خواه و همکاران، ۱۳۹۸؛ رشیدی و میدانی، ۱۳۹۴؛ سلطانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رمضانی، ۱۴۰۱؛ خاچکی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ثانی و همکاران، ۱۳۸۷) به صورت جداگانه در این شهر پرداخته‌اند. شهر مشهد، در جایگاه دومین شهر پر جمعیت ایران، به علت پذیرش گسترده مهاجران شهری و روستایی از داخل و خارج کشور، در چند دهه اخیر بسیار رشد کرده است، این امر موجب کمبود خدمات و زوال شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در این شهر شده است (خاچکی و همکاران، ۱۴۰۰؛ حاتمی نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). همزمان با رشد سریع در این شهر، فقر شهری نیز خود را در قالب پنهانه‌های فقیرنشین در داخل و بیشتر در حومه‌های شرقی و جنوبی مشهد به طور آشکار قابل مشاهده است. توزیع فقر در شهر مشهد در یک رابطه پویا که حاصل سه چرخه اقتصادی سیاسی حاکم، بی‌عدالتی قضایی و ثروت است، به گونه‌ای است که با حرکت از مرکز شهر مشهد به سمت حومه‌های جنوبی و شرقی، کیفیت و کمیت شاخص‌های توسعه و رفاه به تدریج کاهش می‌یابد و سطح فقر افزایش می‌یابد. نمود قضایی فقر شهری در بین محله‌های شهری مشهد نشان‌دهنده تعادل نداشتن قضایی چشمگیر است (ظفری و همکاران، ۱۳۹۶).

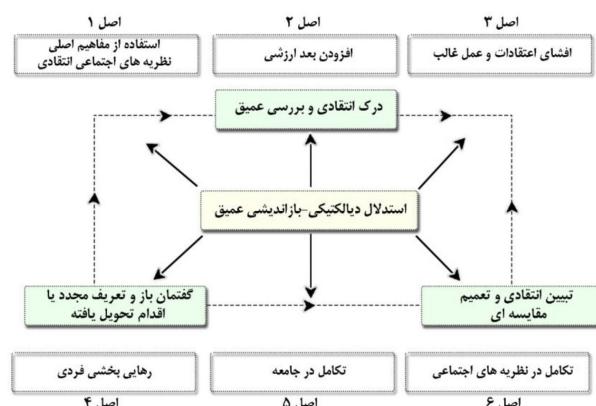
می‌تواند به افزایش عدم تعادل اجتماعی و اقتصادی در شهرها منجر شود (Lees et al., 2008; Lees, 1996; Lees, 2010; Lees, 2006; Lees,) ۲۰۰۳). مسئله حائز اهمیت این است که در بیشتر مطالعات داخلی در حوزه فقر شهری با تأکید بر حوزه عدالت فضایی، مسائل اجتماعی و اقتصادی (مانند: ایران‌خواه و مومنی، ۱۳۹۶؛ نیکپور و حسنعلی‌زاده، ۱۳۹۷؛ داداش‌پور و شجاعی، ۱۴۰۱؛ پیوسته‌گر و همکاران، ۱۴۰۱؛ رفیعیان و زاهد، ۱۴۰۰؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ کاظمی و همکاران، ۱۴۰۱؛ سرگزی و همکاران، ۱۴۰۰؛ گودرزی و مرادی، ۱۴۰۱؛ حاتمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۳؛ زبردست و رمضانی، ۱۳۹۵؛ نیکپور و همکاران، ۱۳۹۸؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۲؛ نورایی و شفیع و شفیع، ۱۳۹۹؛ سلیمانی مقدم و همکاران، ۱۴۰۰؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۹؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۹۱) انجام شده است و جایگاه موضوع طردشده‌گی در این حوزه به طور کامل مغفول مانده است. همچنین تعداد کمی از مطالعات به صورت کیفی و با توجه به ماهیت موضوع فقر به صورت عمیق از دیدگاه انتقادی صورت گرفته است و معمولاً این نوع تحقیقات در راستای یک دیدگاه علمی عینیت گرایانه مورد بررسی قرار گرفته است. در همین راستا باید بیان داشت، بر اساس فراتحلیلی که توسط محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در حوزه فقر شده است تصویر (۱)، نشان‌دهنده آن است که که بخش عمده‌ای از مطالعات فقر در ایران، مطالعات اقتصادی بوده است که غالباً از دوره‌یکدیگر کرده‌اند: یکی رویکردهای بررسی کننده‌ی عوامل فقر و دیگری رویکردهای مربوط به اندازه‌گیری فقر که



تصویر ۱. دیدگاه کلی به خلاهای مطالعاتی و بیان کاستی‌های مطالعات پیشین در حوزه فقر شهری بر مبنای بررسی جامع مطالعات شهری، مأخذ: (برگرفته از: عباسی و همکاران، ۱۳۹۹؛ ام‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ داداش‌پور و همکاران، ۱۴۰۱؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رostایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سلیمانی مقدم و همکاران، ۱۴۰۰؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۲؛ نیکپور و همکاران، ۱۳۹۹)

طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه
موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی

و فرآیندهای اجتماعی می‌پردازد. این رویکرد با هدف کمک به افراد برای شناسایی و تغییر شرایط ناعادلانه و ایجاد فضای بهتر برای زندگی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پارادایم انتقادی، ایده اصلی این است که دیدگاهها و تفسیرها از واقعیت‌ها معمولاً با نگاهی از بالا و از جهت قدرت‌های قدرتمند در جامعه شکل گرفته و تحت تأثیر قدرت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار دارند. بنابراین، پارادایم انتقادی بر روی بررسی روابط قدرت و تبعیض‌های اجتماعی تمرکز دارد و سعی دارد که نگاهی انتقادی به ساختارها و فرآیندهای اجتماعی داشته باشد تا از طریق آن‌ها به دنبال تغییر و بهبود اجتماعی بگردد (Schecter, 2015; Tyson, 2009; Wink, 2009; Bronner, 2018; Lewis, 2006). تحلیل انتقادی به عنوان یک رویکرد پژوهشی، سعی در نقد و تحلیل انواع قدرت، نظامها، و ساختارهای اجتماعی دارد؛ و آن هدف روش‌کردن نقاط ضعف، تبیین نقاط قوت و تشخیص موانع برای دستیابی به تغییرات اجتماعی پویا و منصفانه است (El-Walton, 2008; Lavery, 2015; Walton, 2009, der, 2005). هدف پژوهش انتقادی، تغییر جهان، آشکارکردن افسانه‌ها، نشان‌دادن حقایق پنهان و کمک به افراد در مسیر متتحول کردن آنان است (شجاعی و داداش پور، ۱۴۰۱). چهار بعد روش‌شناسی تحقیق انتقادی توسط کچمانویج برای شناسایی گزینه‌های روش‌شناختی در رابطه با مفهوم‌سازی و انجام تحقیقات پژوهشی انتقادی پیشنهاد شده است، چارچوب نشان داده شده در تصویر (۳) نشان می‌دهد که چگونه چهار بعد بر اساس شش اصل استوار شده‌اند (Kecmanovic, 2011).



تصویر ۳. چارچوبی برای روش تحقیق انتقادی بیان شده توسط کچمانویج (۱۴۰۱).

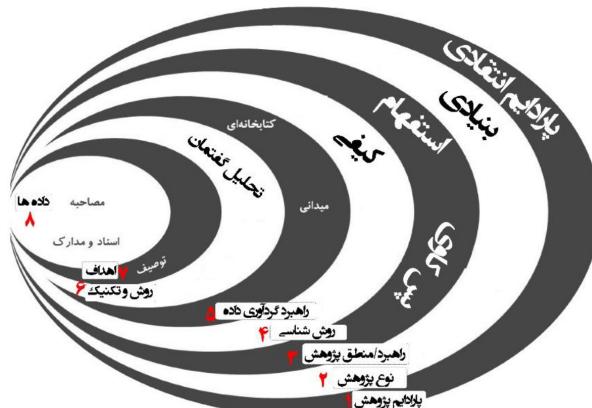
همان‌گونه که ذکر شد، تحقیق حاضر با تمرکز بر پارادایم انتقادی و استفاده از روش پس‌کاوی و استفهام انجام شده است. زمینه این تحقیق کلان شهر مشهد و حوزه پیرامونی آن است. در جهت انتخاب حوزه‌های پیرامونی به صورت متمرکز در این مطالعه، بررسی عمیقی بر روی سیر و روند مهاجرت از شهر مشهد در طی سالیان گذشته به حوزه‌های پیرامونی صورت گرفته است که در مراحل بعدی به طور جامع توضیح داده شده است (تصویر ۴).

نوع داده مورد استفاده در این پژوهش بر دو نوع اصلی داده‌های دست اول و دست دوم هستند. داده‌های دست اول توسط خود پژوهشگر جمع‌آوری و ارزیابی می‌شود، درحالی که داده‌های دست دوم توسط سایر پژوهشگران جمع‌آوری و ارزیابی شده است و به عنوان مواد اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق شکل و گونه داده‌ها کیفی و

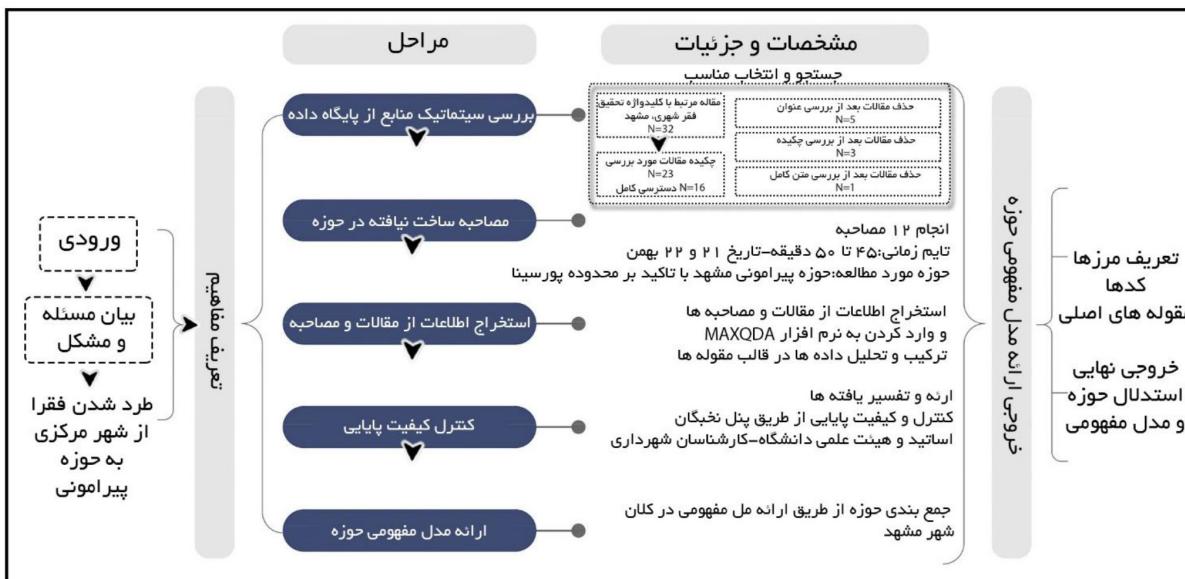
مانند بسیاری از شهرهای دیگر، نابرابری‌های فضایی و اجتماعی بهوضوح دیده می‌شوند. این نابرابری‌ها باعث شده که فقرا و کسانی که در شرایط اقتصادی ضعیف قرار دارند، به سمت حومه‌ها و مناطق پیرامونی از شهر مهاجرت کنند. عوامل مختلفی از جمله بی کفایتی در امکانات و خدمات عمومی، بالا رفتن قیمت مسکن در مناطق مرکزی، کمبود فرصت‌های شغلی مناسب و افزایش هزینه زندگی، از جمله دلایلی است که باعث می‌شود فقرا به سمت مناطق دورافتاده و کمتر توسعه‌یافته‌تر مهاجرت کنند. دیدگاه‌ها و گفتمان‌های موجود در خصوص این فضاهای بیشتر در حوزه توزیع خدمات و تحلیل فضایی-مکانی آن‌ها بوده است و عملات توانسته است مسأله طردشدن افراد فقیر به حوزه‌های پیرامونی را تبیین و تحلیل کند. لایه‌هایی که ممکن است با نقود و قدرت پیوند خورده باشد و از زوایه نگاه انتقادی بتوان آن را تبیین نمود. منظور از تبیین نگرش انتقادی و مسأله محور است که در نتیجه نفوذ به لایه‌های زیرین واقعیت امکان‌پذیر است تا بتواند لایه‌های زیرین پدیده‌هارا شکافته و سازکارها و مکانیسم‌های بوجود آورده این مهم را شناسایی و تبیین نماید. این نگرش دوری از سطحی نگری و ساده کردن پدیده‌های شهری و فروکاستن آن‌ها به پدیده‌های طبیعی و غفلت‌نکردن از لایه‌های تودرتو و پنهانی آن‌هاست (داداش‌پور و الوندی، ۱۳۹۶). در این تحقیق با توجه به دیدگاه انتقادی و در سایه پارادایم انتقادی سعی در بررسی و تحلیل (تبیین) طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامون کلان شهر مشهد شده است. هم‌چنین بررسی علل شکل گیری این موضوع، مکانیسم و سازکارهای ایجاد کننده آن نیز از سایر اهداف مهم تلقی می‌شود.

روش پژوهش

بر اساس پژوهش ساندرز، جهت گیری (نوع) پژوهش بنیادی، رویکرد پژوهش استنفهایی و استراتژی پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است تصویر (۲). هدف این پژوهش، دستیابی به توصیف و درک عمیق‌تری از پدیده مورد نظر است؛ افق پژوهش از نظر زمانی طولی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت بررسی استناد/مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه صورت گرفته است، که هدف اصلی آن تدوین مدل نظری می‌باشد. هم‌چنین با توجه به هدف و ماهیت پژوهش پارادایم پژوهش حاضر انتقادی است.



تصویر ۲. دیدگاه کلی به لایه‌های پژوهش حوزه مورد مطالعه بر اساس پژوهش ساندرز.
پارادایم انتقادی به عنوان یک رویکرد تحقیقی فراتر از سطح ظاهری مسائل می‌پردازد و به بررسی ساختارهای حقیقی و پنهان در جوامع



تصویر ۴. فرآیند پژوهش برای مرحله مفهوم سازی.

مشهد حضور داشتند.

در گام اول سوال اصلی حوزه تدوین شده است، در مرحله دوم به بررسی نظاممند متون مبتنی بر تحلیل اسنادی انجام گرفته است. کلیدواژه‌های اصلی اصلی و منتخب پژوهش (قره شهری، مشهد) و برای معناداری بیشتر (حوزه پیرامونی، حاشیه‌نشینی) به عنوان عبارت‌های فرعی در پایگاه‌های داده فارسی و انگلیسی جستجو شد. لازم به ذکر است در تمامی مراحل تحلیل گفتمان توجه به استاد فقر شهری مشهد مبتنی بر دلایل طردشدنی به حوزه‌های پیرامونی بوده است. فیلتر اصلی در جستجوی مقالات در نظر گرفتن حوزه تحقیقاتی (مطالعات شهری)، ارتباط مستقیم مقالات با حوزه طردشدنی یا مهاجرت به سایر نقاط شهری و در نظر گرفتن بازه زمانی (۱۳۹۰-۱۴۰۲) بود. در گام بعدی، پس از تمامی غربالگری‌های دقیق انجام شده در تصویر ۵ تعداد ۱۶ مقاله با توجه به هدف مطالعه جهت کدگذاری انتخاب شدند.

پیشینه پژوهش

فقر، مفهومی عمیق، چندبعدی و دارای ساختار پیچیده و در عین حال در رشته‌های گوناگون از قبیل جامعه‌شناسی، روانشناسی، جغرافیا برنامه‌ریزی شهری و ... مورد بررسی قرار گرفته است (Amartya, 1981; Sachs & Jeffrey, 2005; Ravallion, 1992; Mollie, 1995; Deaton, 1997; Banerjee et al., 2012; Krugman, 2004; Bourguignon et al., 2004; World Bank, 1990). فقر به طور عمومی به عدم دسترسی به منابع و فرصت‌های اساسی برای تأمین نیازهای اساسی زندگی، مانند غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و دسترسی به امکانات اجتماعی و اقتصادی دیگر اشاره دارد (Sen, 1999; Ravallion, 1992; Sachs, 1992; Deaton, 1997; Banerjee, 2012; Anand, 2004). به عقیده امارتیا سن نیز، فقر عدم دسترسی به آزادهای اساسی هم‌چون نیازهای اولیه افراد و آزادهای مدنی و اجتماعی تعریف می‌شود (Sen, 2023). این موضوع به صورت‌های مختلف تعریف شده است و مفهوم آن طی زمان و در اثر تحولات اقتصادی تغییر یافته است

به صورت کلمات و روابط هستند. با توجه به محیط‌های اجتماعی، طبیعی و مصنوعی منبع داده‌ها، انتخاب و مجموعه‌بندی آن‌ها در محیط‌های اجتماعی و طبیعی از طریق نمونه‌برداری انجام می‌شود، در حالی که در مصنوعات اجتماعی، تمامی گزارش‌ها، اسناد و اخبار مربوط به دهه ۱۳۹۰ و هم‌چنین سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد (۱۴۰۲-۱۳۹۰). جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمام شهر و ندان مقييم در حوزه پيرامونی شهر مشهد است و نمونه‌گيري افراد با رعایت بازه سنی محدود (بالاي ۲۰ سال) و شرایط معيني صورت گرفته است تا داده‌های قابل اعتماد به دست آمد باشد. با توجه به رویکرد انتقادی پژوهش، روش نمونه‌گيري به طور کاملاً هدفمند انجام شده است و رویه‌های جمع‌آوري داده از جمله مصاحبه ساخت‌نیافته، مشاهده مستقیم و تحلیل اسناد مورد استفاده قرار گرفته است. هم‌چنین لازم به ذکر است برای انجام مصاحبه در تاریخ ۲۱ و ۲۲ بهمن در دو مرحله به حوزه‌های پيرامونی شهر مشهد مراجعه شد که در مجموع با ۲۱ نفر مصاحبه ساخت‌نیافته صورت گرفت که طول مدت هر مصاحبه به طور ميانگين برابر با ۴۵ تا ۵۰ دقیقه بوده است. محدوده‌های مورد هدف برای مصاحبه نيز شامل محدوده پورسینا (حوزه شرقی مشهد) و نواحي اطراف آن بوده است. پس از پایان هر مصاحبه، تمامی روایت‌های بيان شده توسط مصاحبه‌شوندگان با دقت روى کاغذنوشته می‌شد و کدگذاري اوليه داده‌ها برای استخراج مفاهيم اوليه انجام می‌شد. شركت‌كنندگان برای زمان و تلاش خود در تكميل مصاحبه، که اغلب در مدت زمان قابل توجهی ادامه داشت، پاداش دریافت کردند. در طول مصاحبه، علاوه بر مصاحبه کننده، يادداشت بردار دوم نيز حضور داشت که صرفاً مکالمه را رونويسی می‌کرد. متن نهایی با ادغام يادداشت‌ها ايجاد شد. شایان ذکر است که اجازه ضبط صدا نيز در جين مصاحبه وجود نداشت. روایي يافته‌های تحقیق (مصاحبه) توسط مصاحبه‌شوندگان و سپس از طریق گفت‌وگو با صاحب‌نظران حوزه فقر شهری (اعضاي هیأت علمی دانشگاه و کارشناسان شهرداری) تأیید شد. لازم به ذکر است برای انجام مصاحبه علاوه بر نگارنده متن، چند مصاحبه‌گر دیگر نيز در محدوده پيرامونی

طرد فقر از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه
موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی

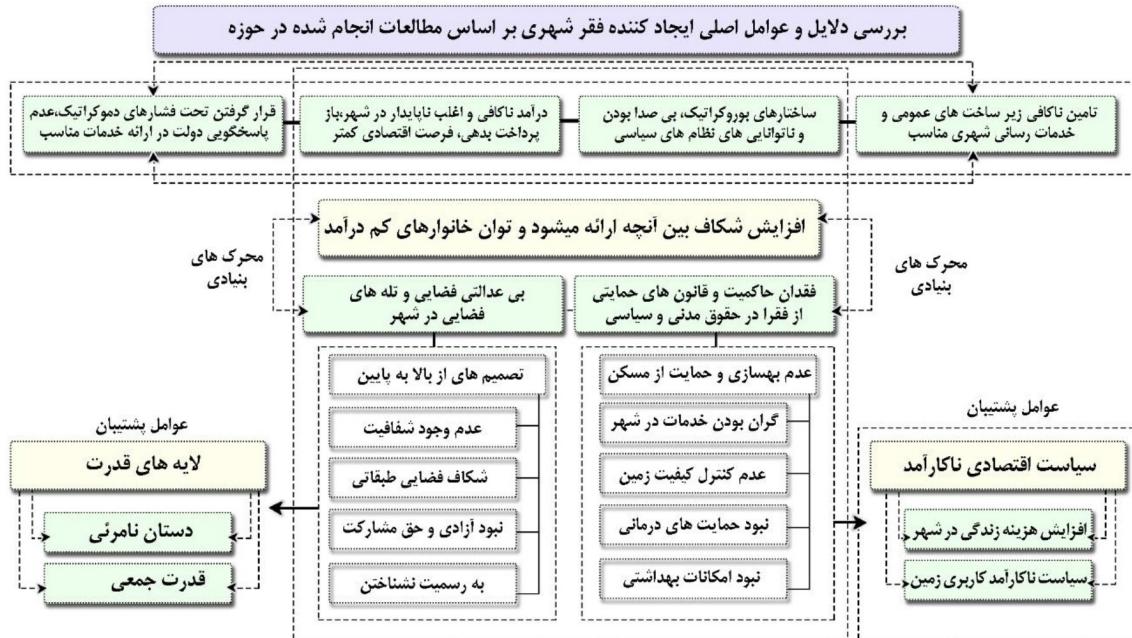
در وندالیسم اجتماعی دانسته است. مطالعات فقر شهری به گذشته‌ای نزدیک بر می‌گردد، اما رویکرد مدرن و علمی نسبت به این موضوع بسیار جدید است (Rieger & Wagner, 2001; Movahhed et al., 2016). ادبیات فقر شهری، به ویژه پویایی شهری، تقریباً بر اساس مطالعه اولیه و نوآورانه سال ۲۰۰۰ است که فقر را بر اساس داده‌ها و اطلاعات خانوارها به دو دسته فقر مزمن و پویا دسته‌بندی کرد که تحت عنوان فقر پویا در Ravallion & Jalan, 2000; Chen, 2022; Janos, 2018; Stern et al., 2015; Frías, 2017) در.

به طورکلی مطالعات انجام شده در این زمینه را می‌توان به چهار دیدگاه تقسیم کرد، دیدگاه روبرویکرد محافظه‌کارانه که فقر شهری را از منظر آسیب شناختی مطالعه کردن (Schensul, 2017; Farah, 2012; Madhavan, 2012; Bhutta et al., 2020 ۲۰۱۷). رویکرد دوم را نیز می‌توان تحت عنوان «رویکرد بستری/ساختاری» دسته‌بندی نمود که با تأکید بر اهمیت نهادی، تأثیر بازار و قدرت سیاسی را بیان می‌کند (Weber, 2012; Mitlin, 2010 & Satterthwaite 2012; Parnell & Pieterse, 2010). دیدگاه سوم نیز مبتنی بر رویکرد عاملیت و مقاومت است (Mitchell, 2003; Brenner & Mitchell, 2003; Marcuse, 2012; Shatkin, 2015; Sawyer, 2020). دیدگاه چهارم که در حوزه مطالعات فقر شهری تحت عنوان رویکرد کنش و صدا دسته‌بندی می‌شود که یکی از جامع ترین دیدگاه‌های در این حوزه است و تأکید می‌کند، افرادی که در فقر هستند کارشناسان واقعی این حوزه و زندگی روزمره هستند (کارونی و شارعپور، ۱۳۹۹). این پژوهش در دیدگاه چهارم قرار دارد، در این رویکرد، باید با اولویت‌بندی از پایین به بالا و توجه به شرایط و وضعیت واقعی شهر، به جای تمرکز بر بایدها و نبایدها، به تعییر وضعیت موجود و ارتقاء استانداردهای فنی و معیشتی پرداخت. این به معنای تغییر بین نحوه فعلی عملکرد شهر و شرایط مطلوبی که باید به آن دست یافتد. بهتر است به جای اینکه از بالا به پایین به برنامه‌ریزی بپردازیم، به روندها و مکانیسم‌های در حال اجرا در ابعاد مختلف شهر توجه کنیم. این به معنای پیگیری وضعیت شهر و نیز ارتباط با ساکنان آن و درک صدای این متنوع و اختلافات آن هاست. به علاوه، ارزیابی سیاست‌های توسعه‌ای که برای بهبود شرایط و کاهش فقر شهری در شهرها به کار می‌روند، ضروری است و نباید از آن چشم‌پوشی شود (Stern et al., 2015; Wilson, 1987; Danzinger, 2011; Briggs, 2005; Brady, 2009; Kenworthy, 2011; Adriani, 2012; Townsend, 2001; Rawls, 2018). کتاب به واقع ناتوانی‌های واقعی در سال ۱۹۸۷ توسط ویلسون منتشر شد و منجر به افزایش چشمگیر تحقیقات و فعالیتها در خصوص اثرات تمرکز فقر شهری شد (کاپلان و همکاران؛ به نقل از Adriani, 2012; Williams, 2018; Townsend, 2001; Kenworthy, 2011; Jäntti, 2009). هرچند دانشمندان و سیاست‌گذاران در مورد دلایل تمرکز فقرشهری نظرهای مختلفی ابراز می‌کنند، اما درباره نتایج آن موافق هستند (Rawls, 2018). کتاب به واقع ناتوانی‌های واقعی در سال ۱۹۸۷ توسط ویلسون منتشر شد و منجر به افزایش چشمگیر تحقیقات و فعالیتها در خصوص اثرات تمرکز فقر شهری شد (کاپلان و همکاران؛ به نقل از Adriani, 2012; Williams, 2018; Townsend, 2001; Kenworthy, 2011; Jäntti, 2009). در این رابطه، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی درباره فقر شهری وجود دارد. اما در یک تعریف تقریباً جامع (بررسی بیشتر از ۳۵ منبع اصلی در حوزه فقر) می‌توان فقر شهری را این گونه تعریف کرد که فقر شهری به مفهومی از ناتوانی و نیازهای پایایی افراد در شهرها اشاره دارد که به دلیل عدم دسترسی به منابع و فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، زندگی برای آن‌ها به چالش کشیده می‌شود. این شرایط معمولاً منجر به عدم توانایی افراد در دسترسی به مسکن، تغذیه مناسب، بهداشت، آموزش، اشتغال و سایر خدمات اساسی می‌شود که باعث ایجاد یک وضعیت نابرابری اجتماعی و اقتصادی بین اعضای جامعه شهری می‌شود (Wilson, 1987; Danzinger, 2011; Briggs, 2005; Stern et al., 2015; Brady, 2009; Kenworthy, 2011; Adriani, 2012; Chambers, 1987; Pacione, 1997; Mitlin et al., 2016). در این تلاش‌ها در جهت تعریف فقر شهری به ویژگی‌های در شهرهای واقع در جهان جنوب به ندرت صورت گرفته است (Rawlence, 2016; Sachs, 2005; Reis, 2012 ; Wilson, 1987; Danzinger, 2011; Briggs, 2005; Stern et al., 2015; Brady, 2009; Kenworthy, 2011; Adriani, 2012; Chambers, 1987; Pacione, 1997; Mitlin et al., 2016). در این خصوص، مقاله تأثیرگذار آلن راتن (Rattan, 1995) ویژگی‌های فقر شهری را شناسایی کرد که به طور مکرر به وسیله دیگران دنبال شده و بسط یافته است. نکته مهم آن است که بسیاری از موارد یاد شده در ارتباط با تعریف فقر در فقر شهری نیز قابل بررسی است، اما فقر شهری پدیده چند بعدی است و شهرنشینان به خاطر بسیاری از محرومیت‌ها از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و سایر موارد در رنج و مضيقه‌اند (نورمحمدی و حاضری، ۱۳۹۰). همچنین عدم مطالبی فقر شهری را محرك اثرگذار

به عنوان یک پدیده پیچیده، فقر شهری می‌تواند ناشی از تعامل چندین عامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به بیکاری، کمبود فرصت‌های اشتغالی، نابرابری در توزیع درآمد، کاهش سطح تحصیلات و دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و آموزشی اشاره کرد (Mer-Brady, 2000; Stern, 2015; Wilson, 1987; Frederick, 2018; Friderick, 2009; ton, 2009). بدلیل ارتباط نزدیک میان فقر شهری و ساختارهای اجتماعی، مطالعه و بررسی این پدیده از اهمیت بالایی برخوردار است (جدول ۱). فقر شهری نه تنها به مشکلات افراد متاثر از آن اشاره دارد، بلکه نشان‌دهنده عدالت‌فضایی، اقتصادی، و سیاسی در یک

و اتفاق نظری خاصی درباره آن نیست (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۹). میان تعاریف بسیار متنوع و متفاوت از فقر با دو گرایش مهم و اساسی روبه رو هستیم، از یک دیدگاه فقر صرف‌آبر پایه میزان درآمد تعریف می‌شود (Amartya, 1981; Banerjee, 2011; Sachs, 2005; Ravallion,) (Deaton, 1997; Anand et al., 2004)، اما از دیدگاه دیگری فقر بر حسب معیارهای مختلف که عموماً بپیامدها و آثار مختلف است، تعریف می‌شود (Alkire, 2011; Hulme et al., 1996). فقر می‌تواند در حوزه‌های فقر مالی، آموزشی، سلامتی، اجتماعی، ساختاری، شهری و فقر فرضی، نمود عینی پیدا کند (Duflo & Banerjee, 2019).

فقر شهری بیش از یک قرن است که موضوعی مورد توجه جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است (Wilson, 1987; Frías, 2017; Farahani et al., 2015; Janos, 2018; Briggs, 2005; Bane, 1991; Jargowsky, 1991; Massey, 1993). به دلیل افزایش روزافزون فقر در شهرها، بحث درباره علت‌ها، پیامدها و راههای مبارزه با آن به ویژه در چند دهه اخیر، بسیار مهم شده است (Brady et al., 2009; Smeeding, 2011; Kenworthy, 2011; Jäntti, 2009). هرچند دانشمندان و سیاست‌گذاران در مورد دلایل تمرکز فقر شهری نظرهای مختلفی ابراز می‌کنند، اما درباره نتایج آن موافق هستند (Adriani, 2012; Williams, 2018; Townsend, 2001; Kenworthy, 2011; Jäntti, 2009). در این رابطه، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی درباره فقر شهری وجود دارد. اما در یک تعریف تقریباً جامع (بررسی بیشتر از ۳۵ منبع اصلی در حوزه فقر) می‌توان فقر شهری را این گونه تعریف کرد که فقر شهری به مفهومی از ناتوانی و نیازهای پایایی افراد در شهرها اشاره دارد که به دلیل عدم دسترسی به منابع و فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، زندگی برای آن‌ها به چالش کشیده می‌شود. این شرایط معمولاً منجر به عدم توانایی افراد در دسترسی به مسکن، تغذیه مناسب، بهداشت، آموزش، اشتغال و سایر خدمات اساسی می‌شود که باعث ایجاد یک وضعیت نابرابری اجتماعی و اقتصادی بین اعضای جامعه شهری می‌شود (Wilson, 1987; Danzinger, 2011; Briggs, 2005; Stern et al., 2015; Brady, 2009; Kenworthy, 2011; Adriani, 2012; Chambers, 1987; Pacione, 1997; Mitlin et al., 2016). در این تلاش‌ها در جهت تعریف فقر شهری به ویژگی‌های در شهرهای واقع در جهان جنوب به ندرت صورت گرفته است (Rawlence, 2016; Sachs, 2005; Reis, 2012 ; Wilson, 1987; Danzinger, 2011; Briggs, 2005; Stern et al., 2015; Brady, 2009; Kenworthy, 2011; Adriani, 2012; Chambers, 1987; Pacione, 1997; Mitlin et al., 2016). در این خصوص، مقاله تأثیرگذار آلن راتن (Rattan, 1995) ویژگی‌های فقر شهری را شناسایی کرد که به طور مکرر به وسیله دیگران دنبال شده و بسط یافته است. نکته مهم آن است که بسیاری از موارد یاد شده در ارتباط با تعریف فقر در فقر شهری نیز قابل بررسی است، اما فقر شهری پدیده چند بعدی است و شهرنشینان به خاطر بسیاری از محرومیت‌ها از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و سایر موارد در رنج و مضيقه‌اند (نورمحمدی و حاضری، ۱۳۹۰). همچنین عدم مطالبی فقر شهری را محرك اثرگذار



تصویر ۵. دسته بندی نگاههای پیرامون حوزه فقر شهری بر اساس مطالعات انجام شده. مأخذ: (برگرفته از: داداش پور و شجاعی، ۱۴۰۱؛ زاهدی و پاکروان، ۱۳۹۶؛ میری و محمدی، ۱۳۹۵؛ عبدی و علیزاده، ۱۳۹۸؛ طلوعی و فراهانی، ۱۳۹۹؛ اصغری، ۱۳۹۸؛ رحمتی وزارتخانه، ۱۳۹۷؛ عطایی و همکاران، ۱۳۹۸؛ رحمتی وزارتخانه، ۱۳۹۷)

جدول ۱. دلایل ایجاد فقر شهری از نگاه نظریه پردازان گوناگون بر اساس مطالعات اسنادی.

نظریه پرداز	دلایل ایجاد "فقر شهری" از منظر افراد مؤثر در حوزه
Wolff, 2012	بیکاری ساختاری / نظریه توزیع عادلانه / کمود دسترسی به آموزش و امکانات پهداشی / نظریه سرمایه اجتماعی / عدم دسترسی به بازار کار / نظریه نظام اقتصادی / کمود منابع و محدودیت‌های سیاسی / نظریه قدرت و نفوذ / اختلافات نژادی و اقامتی / نظریه تبعیض اجتماعی / تغییرات در بازار کار و فناوری / نظریه تغییرات اقتصادی
Atkinson, 2000; Blau, 2017; Stiglitz, 2012	افزایش قیمت مسکن / نظریه بازار مسکن / عدم دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی / نظریه شهربنشینی پایدار / نظریه تبعیض جنسیتی / فرصت‌های کمتر برای کسانی با تحصیلات پایین / نظریه تفکیک تحصیلی / کمود تمهیلات مربوط به بهره‌وری و کارآفرینی / محدودیت‌های مالیاتی و اصلاحات سیاستی ناکارآمد / درآمد خانوار
Persson, 2014	ازدیاد نرخ جرم و جنایت در شهرها / نظریه جرم‌شناسی اجتماعی / نیواد امنیت شهری / مشکلات سلامتی عمومی و افزایش بیماری‌های واگیر / حرمان مسکن و بی‌خانمانی / کمود فرسته‌های اشتغال و ارتباطات شغلی / تحریم‌های بین‌المللی و اقتصاد سیاسی / بی‌شایستی سیاسی و نظامی / نظریه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل
Goldin, 2008	افزایش هزینه‌های سلامتی درمان / محرومیت از فرهنگ و هنر / ناکارآمدی و تبعیض در سیستم آموزشی / افزایش مشکلات روانی و اعتیاد / نایبرابری در دسترسی به فناوری و ارتباطات / دم دسترسی به خدمات مهاجرتی و بهبود وضعیت مهاجران / نیواد عدالت اجتماعی در جامعه شهری / قیمت گران مسکن / کیفیت فضاهای عمومی
روپوش اداد وی عاجش، 1401	نیروهای نامرئی / بخش غیررسمی / نیواد عدالت فضایی / سوداگری / شکاف فضایی طبقاتی / نیواد شفافیت / عدم توجه به حوزه حق به شهر / قدرت جمی / نیواد مشارکت / نیواد همه شمولی / منفعت فردی / نیواد عدالت / وجود تفاوت / نیواد آزادی / عدم اختیار / تصمیم از بالا به پایین / نفی حاشیه شدن
Deaton, 2013	افزایش نایبرابری در دسترسی به مرکز خدماتی مانند بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی / تغییرات دموکراتیکی و رشد جمعیت شهری / افزایش تبعیض در بازار مسکن و افزایش هزینه‌های اجاره / کمود امکانات تفریحی و فرهنگی در مناطق محروم / افزایش هزینه‌های زندگی و افزایش تورم / مشکلات مرتبط با مدیریت شهری
Harvey, 2013	افزایش بیکاری ناشی از تغییرات در ساختار اقتصادی / تبعیض نژادی و قومیتی در بازار کار / افزایش مشکلات رفاهی و تحولات در ساختار خانواده / افزایش استفاده از مواد مخدور و اعتیاد در جوامع شهری / بازتولید شهری نایپایدار / کمود فضاهای سبز و فضاهای عمومی / تخریب و بازسازی بدون رویکرد اجتماعی / فرسودگی بافت
Bhatta, 2010	عدم دسترسی به خدمات اساسی مانند آب، برق و حمل و نقل عمومی / کمود فرسته‌های اشتغال / تغییرات جمعیتی نامتوان و مهاجرت / محرومیت از زیرساخت‌های اجتماعی
UN-Habitat, 2021	بیکاری / آموزش ناکافی / مهاجرت روسایی به شهری / هزینه بالای زندگی / مسکن نامناسب / بیماری و سلامت نامناسب / تبعیض اجتماعی / سیاست‌های اقتصادی نامناسب / نظام مالیاتی ناعادلانه / بحران‌های اقتصادی / تجارت ناعادلانه / فساد دولتی / عدم دسترسی به اعتبارات مالی / تورم / نایبرابری درآمد / ضعف زیرساخت‌ها
OECD, 2018	خشونت و جرم و جنایت / تغییرات آب و هوایی / تخریب محیط زیست / رشد سریع جمعیت / رشد ناکافی اقتصادی / کاهش صنایع محلی / بی‌شایستی سیاسی / نایبرابری جنسیتی / ضعف خدمات اجتماعی / کمود فرسته‌های شغلی پایدار / توسعه ناکافی فناوری / محرومیت اجتماعی / کاهش سرمایه‌گذاری خارجی / بدھی‌های دولتی / مدیریت نادرست

الگوی فضایی شهرها منجر می‌شود. این نوع طرد، بامکانیزم‌های متفاوتی از جمله افزایش قیمت مسکن، کاهش دسترسی به خدمات اجتماعی، و فرصت‌های شغلی محدود در مناطق مرکزی شکل می‌گیرد. فشارهای اقتصادی و اجتماعی باعث می‌شوند فقرابه طور ناخواسته به حاشیه رانده شوند، جایی که با چالش‌های متعددی از جمله کاهش کیفیت خدمات آموزشی، بهداشتی و حمل و نقل روبه رو می‌شوند. در این مناطق، کمبود امکانات رفاهی، تراکم بالای جمعیت، و نبود زیرساخت‌های مناسب منجر به تشدید مشکلات و نابرابری‌ها می‌شود. افزون بر این، سیاست‌های توسعه شهری و تمرکزدایی فعالیت‌های اقتصادی و تجاري در مناطق مرکزی، فرایند طرد را تسریع می‌کند. این انتقال، اغلب فقر از دسترسی به فرصت‌های مناسب اقتصادی و اجتماعی محروم کرده و باعث می‌شود که ارتباط آن‌ها با شبکه‌های حمایتی و اجتماعی کاهش یابد.

روش و رویه تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای تحلیل و تفکیک داده‌ها از روش تحلیل گفتمنان با نگرش فرکالف استفاده شده است (Fairclough, 1995; Fairclough, 2003; Dijk et al., 1998; Wodak, 2009; Richardson, 2007) گفتمنان که سابقه آن در برخی منابع به قرن ۱۴ میلادی می‌رسد از واژه فرانسوی *Dis-koorl discourse* و لاتین *Discurs* به معنی گفتگو و محاوره، گفتار و از واژه *Discursum* به معنی طفره‌رفتن، از سر بازکردن Paltridge & Mayr, 2015; Dijk, 2008; Renkema, 2004; Gee, 2014; Feiz et al., 2014 و تعلل ورزیدن گرفته شده است (Paltridge & Mayr, 2015; Dijk, 2008; Renkema, 2004; Gee, 2014; Feiz et al., 2014). فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل مدخل گفتمنان، تعاریف کاربردی متعددی را ائمه داده است که با توجه به موضوع مورد بررسی، ما تعریف زیر را انتخاب می‌کنیم: «شرح و تفسیر گفتاری (شفاهی) یا نوشتاری (کتبی) یک موضوع، پرداختن به موضوعی به صورت شفاهی یا کتبی که طی آن موضوع مذکور به طور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد» (Fairclough, 2003; Phillips, 2002; Vetter, 2000) ریشه مفهوم واژه در فعل یونانی به معنی حرکت سریع است. تعاریف گفتمنان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: تعاریف متن محور که گفتمنان را نوعی متن (گفتاری یا نوشتاری) می‌دانند (تصویر ۶). اکثر تعاریف از جمله تعریف کریس بالدیک، الیک مینهوف، راجر فاولر، میخاییل باختین و غیره از این سخن هستند. تعاریف نظری و اندیشه حور هم تعاریفی همانند تعریف میشل فوکو، لاکلاو و موف و یورگنسن و فیلیپس هستند که گفتمنان را یک نظام معنایی می‌دانند (Fairclough, 2003; Paltridge, 2015).

برداشت متفاوتی نسبت به مفهوم نقد در این نگرش وجود دارد (Dijk, 2008; Wodak, 2009; Jørgensen, 2002). عده‌ای به مکتب فرانکفورت، عده‌ای به نقد ادبی و عده‌ای نیز به مارکس روی آورده‌اند. تحلیل گفتمنان انتقادی، به این معنا انتقادی است که قصد دارد نقش کردارهای گفتمنانی در حفظ و بقای جهان اجتماعی از جمله، آن دسته از روابط اجتماعی را که توأم با مناسب قدرت نابرابرند، آشکار کند. فرکلاف در کتاب زبان و قدرت (۱۹۹۶) دو هدف اصلی انتقاد در تحلیل گفتمنان را این گونه بیان می‌کند (Chilton et al., 2002; Edwards, 1992; Weth, 2001; erell et al, 2001):

۱. کمک به تصحیح کم توجیهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت (Fairclough, 2010);

جامعه است. این مسئله نقش مهمی در تحولات اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی دارد و برای پیشرفت و توسعه پایدار جوامع لازم است که به آن پرداخته و راه کارهایی برای مقابله با آن ارائه شود. از این‌رو، نگاه انتقادی به فقر شهری می‌تواند به نحوی کلان‌نگر باشد و مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عمیق‌تری را که به ظاهر ممکن است موجب فقر شهری شوند، Harvey, 2008; Tay, 2015; Unger, 2010; Fraser, 1999; Marcuse, 2016; Davis, 2006; Sassen, 1991; (Wacquant, 1999; Roy, 2010

مبانی نظری پژوهش

فقر شهری و طردشدنگی

طردشدنگی یک پدیده اجتماعی است که به وضوح در ارتباطات انسانی و روابط اجتماعی نمود پیدا می‌کند. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که یک فرد یا گروه از افراد از جامعه‌ای معین به طور موقت یا دائمی محروم شوند و از فعالیت‌ها و فرآیندهای اجتماعی محروم گردند. این نوع از محرومیت عموماً به صورت عمدى و تحت تأثیر قوانین، مقررات، نهادهای، یا اعمال افراد یا گروه‌های دیگر در جامعه رخ می‌دهد (Ian et al., 2020; Luth-erborrow, 2020; Thomson et al., 2019; Skinner, 2019). طرد فقر از شهرهای مرکزی به مناطق پیرامونی یکی از انواع مهم طردشدنگی اجتماعی است که در بسیاری از شهرها و مناطق جهان وجود دارد. این فرآیند، که گاهی به عنوان گریز از فقر هم شناخته می‌شود، نتیجه‌ای از فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که بر روی شهرها Marcuse et al., 1997; Cheshire, 2004; Bridge, 2012; Harvey, 1973; Fainstein, 2010; Sas-sen, 1991; Wilson, 1987; Musterd, 2018). در شهرهای مرکزی، هزینه‌های مسکن، زندگی و خدمات اساسی معمولاً بالاتر است. این امر باعث می‌شود که افراد با درآمد کمتر توانند در این مناطق زندگی کنند و به دنبال گزینه‌های مناسب‌تری در مناطق پیرامونی بگردند. علاوه بر این، افرادی که از سطح تحصیلات پایین‌تر یا مهارت‌های کاری کمتری برخوردارند، ممکن است در رقابت برای یافتن شغل مناسب در شهرهای مرکزی شکست خورده و به دنبال فرصت‌های شغلی در مناطق پیرامونی بروند (Glaeser, 2011; Florida, 2017; Desmond, 2016).

طرد فقرا از شهر مرکزی به مناطق حومه‌ای و پیرامونی، یکی از پدیده‌های پیچیده و چندرویی در زمینه مطالعات شهری است که تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فضایی و فرهنگی قرار می‌گیرد (Soja, 1980; Lees, 2008; Smith, 2002). این پدیده را می‌توان به عنوان یک نتیجه از تغییرات در ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرها در نظر گرفت که در این مقاله به تحلیل بعضی از دلایل این ظاهر پرداخته می‌شود. تحقیق حاضر به بررسی واقعیت طرد فقرا از شهر مرکزی به حوزه پیرامونی در کلان شهر مشهد و حوزه پیرامونی آن می‌پردازد و تلاش دارد تا عوامل و سازوکارهای پنهان این پدیده را آشکار سازد. با استناد به مبانی نظری و ارائه سوالات پژوهش، این تحقیق به روش شناسی، بحث و یافته‌ها پرداخته و تحلیل می‌کند.

طرد شهری فقرا، به عنوان یک پدیده پیچیده و چندوجهی در جامعه‌شناسی شهری، تحت تأثیر عواملی همچون توزیع نابرابر منابع، سیاست‌های شهری و الگوهای برنامه‌ریزی نامتوازن است که به تغییر در

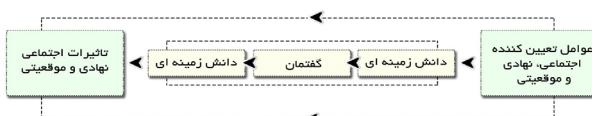
جدول ۲. ویژگی‌های صوری: ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی.

آثار ساختی	ارزش/ویژگی‌ها	ابعاد معنایی
دانش/اعتقادات	تجربی	محتوها
روابط اجتماعی	رابطه‌ای	روابط
هویت‌های اجتماعی	بیانی	فاعل‌ها

متن و ساختارهای اجتماعی رابطه‌ای غیر مستقیم است. اینجاست که ضرورت تفسیر مطرح می‌شود تا متن بر اساس مفروضات عقل سليم، که به ویژگی‌های متن ارزش می‌دهند تولید و تفسیر شوند. تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. از نظر مفسر ویژگی ظاهري متن در حقیقت بهمنزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای مفسر خواهد بود. البته باید توجه داشت که اصطلاح «دانش زمینه‌ای نباید مانع از آن شود تا جنبه‌های ایدئولوژیک پیش‌فرض‌های عقل سليم را فراموش کنیم. فرکلاف در نمودار (تصویر ۷) نشان می‌دهد که مفسران چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفکر گفتمان مربوط را مشخص کند (Fairclough, 2003; Schäffner, 2002; Yates et al., 2001).

پ) تبیین

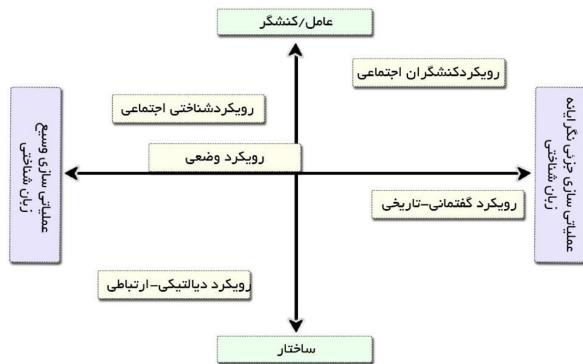
تبیین مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد این که چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند در این سطح به توضیح چراجی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان ایدئولوژی و قدرت و قراردادها و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد. هدف از تبیین توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است (تصویر ۷). تبیین با توصیف گفتمان به عنوان کنشی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشد در مقابل گفتمان‌ها در بازنگشید یا تغییر آن ساختارها چه تأثیراتی دارند؟ دانش زمینه‌ای واسطه تعیین اجتماعی و این تأثیرات است؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه‌ای شکل می‌دهند و دانش زمینه‌ای به نوبه خود شکل دهنده گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها هم با حفظ یا تغییر این دانش زمینه‌ای تأثیراتی بر ساختارها می‌گذارند منظور فرکلاف از ساختارهای اجتماعی مناسبات قدرت است و هدف از فرآیندها و اعمال اجتماعی آن، مربوط به مبارزه اجتماعی است (Dijk, 2009; Feiz et al., 2014; Potter, 1992; Yates, 2014).



تصویر ۷. نمودار مدل تبیین از نظر فرکلاف.

در این مرحله، با توجه به سؤالات، اهداف پژوهش، و مبانی نظری، گفتمان و متن مورد انتخاب قرار می‌گیرند. در این فرآیند، سعی شده

۲. کمک به افزایش هشیار نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم‌شدن بعضی بر بعض دیگر نقش دارد، زیرا که هشیاری اولین قدم به سوی رهایی است.



تصویر ۶. جانمایی گونه‌های تحلیل گفتمان انتقادی در فضای برداری ساختار/کنشگر
عملیاتی سازی وسیع/جزء‌گانه. مأخذ: Wodak & Mayer, 2015)

رونده تحلیل گفتمان انتقادی فرکالف

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف تفسیر و تبیین برخوردار است (Fairclough, 1996). در هر یک از این سطوح ما با تحلیل سروکار داریم اما ماهیت تحلیل در هر مرحله متفاوت است. تحلیل در مرحله اول برچسب‌دهی به ویژگی‌های صوری متن اکتفا می‌کند. متن را به مثاله یک شیء در نظر می‌گیرد در مرحله دوم به تحلیل فرآیندهای شناختی شرکت کنندگان و تعاملات میان آن‌ها می‌پردازد مرحله تبیین نیز ارتباط میان رویدادهای اجتماعی (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند که بر این رویدادها تأثیر می‌گذارند و یا از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند (Fairclough, 2003; Linell, 2009).

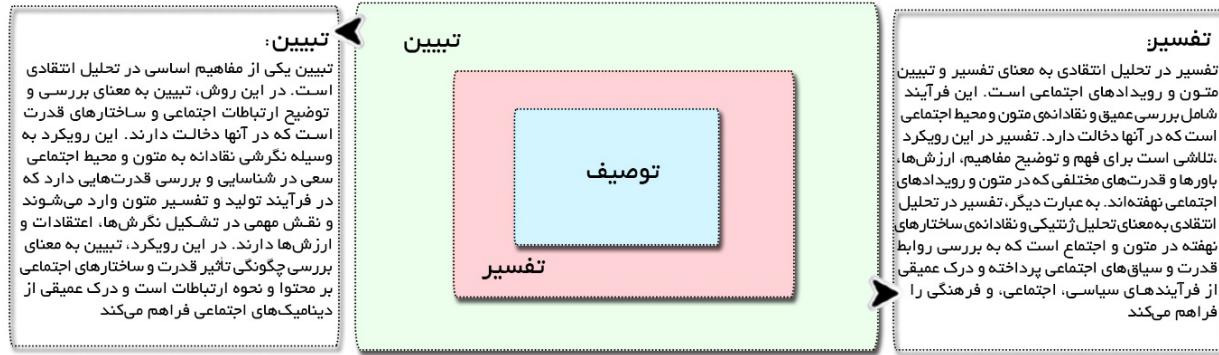
الف) توصیف

توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان دستور و ساختهای متنی سروکار دارد. تحلیل گر در ارتباط با واژگان و دستور باید به پرسش‌های مربوط به ارزش‌های تجربی ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی متن و در بخش ساختهای متنی به سؤالات مربوط به استفاده از قراردادهای تعاملی و ارتباط متن با ساختهای گسترده‌تر پاسخ گوید. ارزش تجربی سرنخی از روشنی را به دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود ارزش تجربی با محتوا دانش و اعتقدات سروکار دارد. فرکلاف تأکید می‌کند که هر یک از ویژگی‌های صوری ممکن است به طور همزمان وجود دو یا سه ارزش باشند. فرکلاف میان این ارزش‌ها و سه جنبه عمل اجتماعی که ممکن است محدود شوند مضمین، روابط و فاعلان و تأثیرات ساختی آن‌ها اعتقادات مناسبات اجتماعی و هویت اجتماعی پیوند می‌زند و آن را به طور انتزاعی در قالب جدول (۲) نشان می‌دهد (Foucault, 1980; Van, 2008; Wodak, 2001; Dijk, 2012; Linell,) (2021; Linel, 2009).

ب) تفسیر

به نظر فرکلاف از طریق ویژگی‌های صوری متن نمی‌توان مستقیماً به تأثیرات ساختاری این ویژگی‌ها بر شالوده جامعه دست یافت؛ زیرا رابطه

طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی



تصویر ۸. مراحل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

مجبور بودیم آدمهایی که توی شهر زندگی می‌کنند از ما بهترین هستند... پول دارند... خونه دارند... مغازه دارند... من یک کارگر هستم که توان حتی پرداخت هزینه مدرسه بچه‌منو/ندارم... مجبور شدیم ببایم این جایی...

همه این اتفاقات که برای من و خانواده‌ام افتاده بخاطر بی‌عدالتی هست... همین هیچ حرف دیگه‌ای ندارم...

در همه این نقل قول‌ها محورهای کلیدی عدالت و تفاوت در توصیف طردشده‌گی اجتماعی و اقتصادی فقرا از شهر مرکزی مشهد بیان شده است. هم‌چنین تجربه زیست شهریوندان فقیر در شهر مرکزی مشهد نشان دهنده آن است که عدم خدمات رسانی مطلوب توسط آن‌ها تجربه شده است برای مثال:

الگوی غذایی افراد فقر در شهر مشهد تفاوت آشکاری با سایر اشاره دارد و بسیاری از آن‌ها قادر نیستند به منابع غذایی استاندارد دسترسی داشته باشند و در بسیار موارد این باعث خجالت زدگی و شرم‌زدگی آن‌ها می‌شود.

کمبود خدمات وزوال شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و در نتیجه فقر شهری سبب مهاجرت گسترده افراد از شهر مشهد به حوزه‌های پیرامونی شهر هم‌چون سیسی آباد، پورسینا... شده است.

واقعیت طردشده‌گی فقرا به حوزه‌های پیرامونی در نبود عدالت و حمایت قبل مشاهده است که تا حد زیادی مسئول این اتفاقات مدیران و مستولان شهری هستند که با محورهای از جمله نیروهای نامرئی، قدرت و تصمیمات از بالا به پایین قابل مشاهده است، به طور مثال:

قرار بود این جا متوجه بیاد و پیشرفت کنه... و عده داده بودن همین مسئولین... منم او مدم پورسینا... گفتم پیشرفت میکنه زمین اش گرون می‌شه به مرور زمان ولی الان ۱۰ ساله گذشته هیچی به هیچی... چی بگم به خدا... بدیخت مون کردن

هیچی خونه مون دم حرم بود... افتاد توی طرح... گفتن باید تخلیه شود... پولی زیاد ندادند... دیگه با اون پول که نمی‌شد جای خوبی توی شهر رفت... تازه پول‌ها رو هم خرد میدن برای همین اومدیم این جا فعلای بینم چیکار می‌تونیم بکنیم بعداً...

فرصت شغلی محدود یکی دیگر از محورهای اصلی است که توسط

است که از همه‌ی گفتمان‌ها و متونی که در توصیف، تفسیر و تبیین به دست آمده‌اند، استفاده شود (با در نظر گرفتن محدودیت‌های بیان شده). هم‌چنین مراحل تحلیل گفتمان به روشن فرکالف برای درک بهتر در تصویر (۸) بیان شده است. لازم به ذکر است هدف تحلیل انتقادی گفتمان بر آن است که تحلیل دقیق متون باید به جزیی مهم از تحلیل‌های علمی و اجتماعی کل‌أعمال و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود.

یافته‌ها

محورهای طرد فقرا از شهر مرکزی به حوزه‌های پیرامونی نتایج بیانگر آن است که هویت، عدالت اجتماعی، عدم خدمات رسانی مطلوب، حمایت غیررسمی حداقلی، توسعه نامتوازن، فرصت‌های شغلی محدود، قیمت مسکن و هزینه‌های زندگی، سیاست‌ها و تصمیم‌های شهرسازی، تفاوت اجتماعی و فرهنگی، نبود فرصت اجتماعی، اقتصاد رانتی، تصمیمات بالا به پایین، قدرت، عدالت (بالاخص عدالت فضایی)، نیروهای نامرئی، احساس عدم تعلق، حق به شهر، اعتراض، سوداگرایی و سازش با محیط از محورهای اصلی در حوزه طرد فقرا از شهر مرکزی مشهد به حوزه‌های پیرامونی است. هر یک از این محورها، نشان از تجربه‌های زندگی ساکنان (اصحابه) و اسناد موجود دارند که در تعامل با یکدیگر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. اطلاعات بر اساس سطوح و معانی آن‌ها کدگذاری شده و مجموعه‌هایی از چند داده یک محور را شکل داده‌اند. این اطلاعات، با توجه به زمینه اجتماعی آن‌ها، در زمینه زبان‌شناسی توصیف و تحلیل شده‌اند تا بتوانند محور بزرگتری که با خودشان همسو و هماهنگ است را نمایان کنند. بر اساس بررسی و تحلیل داده‌ها یکی از عوامل اصلی که سبب طرد فقرا به حوزه پیرامونی شهر در مشهد شده است، نبود عدالت اجتماعی و فضایی است جدول (۳). این محور به عنوان یک موضوع اصلی و پر تکرار در اسناد و مصاحبه بیان شده است و در آن تأکید بر تأثیرگذاری مستقیم عدالت بر طردشده‌گی اجتماعی و اقتصادی دارد. این موضوع به صورت متعدد و مختلف در ذهن ساکنان و مطالعات بیان شده است به طور مثال در مطالعات اسنادی:

افراد فقیر شهر مشهد به دلیل درگیری با ماریچ روبه پایین فقر، از فرصت‌هایی که پیش رو اکثریت اعضای جامعه است، بی‌بهره‌اند. آنان از سوی خانواده و سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد مورد طرد قرار می‌گیرند و در نهایت مانع مشارکت اجتماعی آن‌ها می‌شوند.

یا در مصاحبه با افراد نیز بیان شده است:

جدول ۳. محورهای طرد فقر از شهر مرکزی به حوزه پیرامونی در کلان شهر مشهد بر اساس مطالعات اسنادی.

پرداخت هزینه‌های جاری زندگی در محدوده‌های شهری توان مالی نداند؛ به همین دلیل معمولاً از پرداخت هزینه‌های خدمات شهری فرار می‌کنند، خانه و زمین‌های آن‌ها عمدها فاقد استناد مالکیت رسمی است و معمولاً پروانه ساخت و پایان کار گرفته نمی‌شود.

جدول ۴. محورهای اصلی، طردشگی، فقرات شهر مرکزی مشهد به حوزه‌ی امونی

تم	تعداد تکرار تم	تم	تعداد تکرار تم
۲	تفاوت فرهنگی	۱	سازش با محیط
۲	تصمیمات بالای پایین	۵	فرصت‌های شغلی محدود
۳	عدالت اجتماعی	۱	سوداگرایی زمین
۱	اقتصاد رانی	۳	نیروهای نامردی
۱	سیاست‌ها و تصمیم‌ها	۹	قیمت مسکن و هزینه‌های زندگی
۱	توسعه نامتوان	۲	قدرت
۱	حمایت غیررسمی حداقلی	۱	احساس عدم تعلق
۲	عدم خدمات رسانی مطلوب	۱	حق به شهر
۱	نیود فرست اجتماعی	۱	هویت

شهر وندان و بر طبق اسناد بارها بیان شده است، نبود فرصت‌های شغلی مناسب یکی از دلایل اصلی طردشدنگی اقتصادی افراد از شهر مرکزی مشهد به پیرامون تلقی می‌شود، زیرا افراد بدون شغل نمی‌تواند مدت زیادی در کلان شهرها به دلیل گران بودن خدمات زیست داشته باشند به طور مثال، در پرسی مصایب‌های:

بیکاری...شغلی درستی ندارم که...با این پولی که من در می‌آورم
نمی‌شد دیگه توبی مشهد موند...

به خاطر بازنیستگی و از دست دادن شغل، قادر به پرداخت اجاره یا هزینه‌های معيشی در منطقه مرکزی شهر نبودم، برای همین او مدیم سمت پورسینا و گرنه کی دوست داره این جا زندگی کنه، مجبور بودیم... هم چنین یکی از محورهای اصلی که بیشترین تعدد را داشته است، محور قیمت مسکن و هزینه زندگی در کلان شهرها است که در مورد مشهد نیز بارها توسط شهروندان و در اسناد نیز بررسی و تأیید شده است، قیمت مسکن در کلان شهرها از جمله مشهد بسیار گران است و افراد با هر شرایط زندگی قادر به تأمین آن نیستند و این سبب طردشگی و مهاجرت آن‌ها از شهر مرکزی مشهد به حوزه‌های پیرامونی از جمله پورسینا شده

به دلیل همین توان اقتصاد پایین، اقتصاد رسمی به شکل بسیار گسترشده‌ای در این مناطق، رواج بیدا ممکن و در نهایت آن‌ها حتی برای است، بدغور می‌شان.

طرد فقر از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهر مشهد بر اساس مصاحبه.
موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی

جدول ۳. محورهای طرد فقر از شهر مرکزی به حوزه پیرامونی در کلان شهر مشهد بر اساس مصاحبه.

نم	مفهوم	حوزه معرفه	واحد های معرفه شده
هویت	نحو تعلمات اجتماعی در شهرهای فرهنگی-اجتماعی	زندگی در سایه طرد اجتماعی از سوی شفیر خودرو	افراد کم برخوردار در شهر مشهد، از امواج گوناگون طرد اجتماعی، چه از تعلمات اجتماعی و چه از فرسته های اقتصادی-اجتماعی که برای افراد غیر محدود فراهم است، کنار گذاشته هدایت و تعلمات ان ها با افراد خودرو بسیار کم است.
عدالت اجتماعی	فاسیسم اجتماعی و نسبت آن با نابرابری اقتصادی	نحو مشکرت اجتماعی و نبود فرسته های برازی همه	افراد غیر شهر مشهد به لبلی درگیری با مالیاتی و خودرو طرد فوار می گیرند در نهایت مانع شمارت اجتماعی آن ها می شوند.
عدم خدمات رسانی محدود	دسترسی عالیه از افراد غیر	نابرابری اسلامیه در شهربازی با سایر اداره های اسلامی	الکوی غذایی افراد فقر در شهر مشهد نفاوت اشکاری با سایر اداره های اسلامی است که باعث نسبت به منابع غذایی استفاده دسترسی داشته باشد
خدمات رسانی محدود	در مشهد	نابرابری اسلامیه در شهربازی	و نابایه ای اولیه افراد در سیارهای اسلامی این نسبت به نابایه ای اسلامی این ها می شود.
خدمات غیر رسمی حافظان	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	استراتژی های بقا و نداوم زندگی	تاکوی زیست فتوانه در شهرهای مرکزی می تنشت بر استراتژی هایی باقی است. راقی، افراد کم برخوردار شفیر مشهد با انتخاب استراتژی هایی به تداوم زندگی قیصر خود و بهبود شرایط کم می تنشت اما در کفر زمان بچاره و شاهار مالی بسب طرد شدنی اقتصادی آن ها می شوند.
عدم خدمات رسانی محدود	نابرابری اسلامیه و طرد اقتصادی	فیضانه در شهرهای مرکزی	کمود خدمات و زوال شاخه های اقتصادی، اجتماعی و کالدی و در تبعیه فقر شفیر کشته از شهر مشهد به خودهای
خدمات رسانی محدود	نابایه ای اقتصادی	وال شاخص های اقتصادی، اجتماعی و پایلی و همراه افراد	پیرامونی شهر همچون میس اند پور میسا ... و شده است.
در کلان شهر مشهد، وون توسعه طن دهد های اخیر به گونه ای بود که شفیر به یک مرکز سرفس، گردشگری و تغییر نتیجه تبدیل گردیده است. این در حالی است که تولید فضاهای مریط با این توسعه و اضافه از اینها در فضای شهری افزایش دارد از این نتایج	نابایه ای در دسترسی به فضاهای شهری	نابایه ای می شود، فرسته های غلی مکن است محدود و راضی باشد، به خصوص ایار فرود از این نتایج	نابایه ای شفیر خود و نیز پیغمبر از این نتایج
توسعه نامنوان در شهر مشهد	شهری و نوبه های بیانه ای	مهاجرت فرازکه به مناطق پیرامونی	حالی است که تولید فضاهای شهری شفیر و نیز پیغمبر از این نتایج
فرصت های شغلی محدود	طبیعت فقر شفیر	مهاجرت فرازکه با محدودیت های پیشتر و متوسط تر باشد، که باعث مهاجرت طرد فوار این مناطق می شود.	در شهر مرکزی مشهد، فرسته های غلی مکن است محدود و راضی باشد، به خصوص ایار فرود از این نتایج
فیضیت سکن و هزینه های زندگی	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	به دنبال فرسته های بیشتر شفیر	که در حوزه های پیرامونی، ممکن است فرسته های شغلی پیشتر و متوسط تر باشد، که باعث مهاجرت طرد فوار این مناطق می شود.
سیاست های شهرسازی مشهد به نجوي است که افراد فقری را از طبقه مهری مرکزی به مناطق پیرامونی هدایت می کند، مثلاً احداث سکن	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	زندگی در شهر مشهد	هزینه های سکن و زندگی در کلان شهر مشهد
سیاست های شهرسازی مشهد به نجوي است که افراد فقری را از طبقه مهری مرکزی به مناطق پیرامونی هدایت می کند، مثلاً احداث سکن	نابایه ای به پیرامون	سیاست های شهرسازی در شهر و نابایه ای	سیاست های شهرسازی مشهد به نجوي است که افراد فقری را از طبقه مهری مرکزی به مناطق پیرامونی هدایت می کند، مثلاً احداث سکن
محیط اجتماعی و فرهنگی	نابایه ای و نابایه بون سیاست های اسلامی	نابایه ای در تخلی محیط افراد	اجتنابی در حوزه های پیرامون و گرانی قیمت سکن در کلان شهر مشهد
تفاوت اجتماعی و فرهنگی	ناتکاری اسلامی و ناتکاری بون سیاست های اسلامی	نابایه ای در مشهد	محیط اجتماعی و فرهنگی در شهر مشهد
تفاوت	نابایه ای هزینه های زندگی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	هزینه های زندگی از جمله اجراء سکن و هزینه هایی روزمره در شهر مشهد
(در سطح هزینه های زندگی)	و مهاجرت به حوزه پیرامونی	مهاجرت به مناطق پیرامونی	فقری را به مهاجرت به مناطق پیرامونی ترغیب می کند.
نود فرسته اجتماعی	نابایه ای هزینه های زندگی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	در کلان شهر مشهد، فرسته های اجتماعی ممکن است محدود باشد و افراد غیر شهر مشهد
فرصت های شغلی محدود	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	نابایه ای اقتصادی و رفاقت در کلان	پیرامونی، این افراد ممکن است به دلیل محبوبیت فرسته های اقتصادی نامناسب، فرسته های هزینه های زندگی در شهر مشهد
فیضیت سکن و هزینه های زندگی	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	نابایه ای هزینه های زندگی	افراد غیر شهر مشهد به لبلی روابط بیشتر و شرایط اقتصادی نامناسب، فرسته های هزینه های زندگی در شهر مشهد
نافر	نابایه ای اقتصادی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	در شهر مشهد، هزینه های زیادی برای خدمات سکن تحمل کرده اند، پیرامونی آنها به سمت حوزه های پیرامونی می شود.
تفاوت اجتماعی	نابایه ای هزینه های زندگی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	مهاجرت به حوزه پیرامونی
تفاوت اقتصادی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	نابایه ای اقتصادی و هزینه	به دلیل رشد شفیری و عمیق نر شدن سکاف طبقایی در کلان شهر مشهد، گروههای کم درآمد نیمن محدود شدن از روند کلی توسعه در قالب اجتماعات محلی و در فضاهای جغرافیائی خاصی در جایی شفیر شکل گرفتند.
تفاوت اقتصادی	نابایه ای هزینه های زندگی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	به دلیل همین توان اقتصاد پایین، اقتصاد رسمی به دکل سیار گسترش داده است که در این مناطق رواج بینا می کند و روز به روز از اینها حتی برای پرداخت هزینه های جاری زنگی در محدوده های شفیر توان این دلیل معمولاً در برخی از ریاضات هزینه های خدمات شفیر فرار می کنند، خانه و زمین های آنها عمدتاً افق اسناد مالکیت رسمی است و معمولاً بر پروانه ساخت و پایان کار گرفته نمی شود.
اقتصاد رانی	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	نابایه ای اقتصادی و هزینه	در این اقسام میوه و نائل کم درآمد از اینها است که نواد فرسته کافی در شهر آنرا از شفیر مشهد طرد می کند و روز به روز از اینها بازیابی می شوند.
تفاوت اقتصادی	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	نابایه ای اقتصادی و هزینه	پاید بیدریم که بینه بینی و افرمی ایار میگردند که افراد غیر شهر مشهد و نابایه ایار از اینها بازیابی می شوند.
تفاوت اقتصادی	فشار مالی و طرد اقتصادی از شهر	نابایه ای اقتصادی و هزینه	غیربروسی ندانه های، چون از لحاظ قانونی این محدوده ها گزو شفیر ندانه های بنا برین در این محدوده های اجزایی طرح های نهضتی شفیر مطற نموده و مهاجرت به مناطق
تفاوت اقتصادی	نابایه ای اقتصادی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	حاشیه شنیدن در این اوضاع مخفف انجام های اقتصادی و فرهنگی قابل تشبیه درد و نکن رشه اصلی طرد شفیر
تفاوت اقتصادی	نابایه ای اقتصادی و هزینه	نابایه ای اقتصادی و هزینه	در مهاجرت عادی انسان شرف درد که به اینجا و در طی شکسکل و مواجه اند چنگ و زرده از نقاط شفیری و با سلطه در اینها پایان در چه فرار و رهایی از جنگل قفر و نگستنی و به ایند پیدا نمایند

شهری ها راحت زندگی کنند و پاشون دراز کنن... ما مال اون جا نبودیم از

اول اشتباه کردیم...

در مجموع بیشتر از ۱۸ تم در فرآیند تحقیق بر روی مطالعات استنادی شهر مشهد در حوزه فقر شهری و طردشگی و مصاحبه ها به دست آمد که در جدول (۴) به طور کامل با تعداد تکرار مشخص شده است. در مرحله بعدی استخراج اطلاعات برای مصورسازی با استفاده از نرم افزار مکس کیو/ا نجام شده است که در تصویر (۹) مشخص شده است. یک برنامه نرم افزاری است که برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی و ترکیبی به کمک کامپیوتر، طراحی شده است. مکس کیو/ا یک نرم افزار پیش رو در جهان برای تجزیه و تحلیل داده های ارائه دهنده ایار کیفی و ترکیبی است.

نتایج نشان دهنده آن است که در مطالعات استنادی و مصاحبه ها مخوبه های قیمت مسکن و هزینه های زندگی، فرسته های شغلی محدود، نیروهای نامرئی و عدالت اجتماعی بیشترین میزان تعدد و تکرار را داشته است (تصویر ۱۰). جهت اعتبارسنجی تم های تدوین شده از نظر کارشناسان بهره گرفته شده است که اعتبار تم ها توسط افراد متخصص (کارشناسان شهرسازی، عضو هیأت علمی دانشگاه) مورد تأیید قرار گرفت.

ارائه مدل نظری

در مجموع سه حوزه طردشگی اصلی یعنی طردشگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در نتیجه تحلیل گفتگو انتقادی طردشگی قرار از شهر مرکزی مشهد به حوزه های پیرامونی تبیین شد. این نشان دهنده آن

چی بگم والا... علاوه بر هزینه های خونه، هزینه های دیگر زندگی

در مشهد بسیار بالا بود. هزینه های خوراک، پوشک، اتوبوس و... این هزینه های برای ما به یک بارهای سنجین مالی و پولی تبدیل شده بودند که نمی توانستیم آن را تحمل کنیم...

محورهای توصیف شده در جدول (۳) همراه با داده های آن ذکر شده اند. این محورها با جریانات و نیروهایی که ایجاد می کنند، منجر به ایجاد طردشگی اقتصادی و اجتماعی فقر از شهر مرکزی مشهد به حوزه پیرامونی شدند. هر محور به تنها یکی ممکن است طردشگی و فقر شهری را ایجاد یا باز تولید کند، اما وقوع همچنان زمان این عوامل در کنار هم، همچون یک نیروی قدرتمند از عوامل دوره های تولید و باز تولید فقر شهری و طردشگی اجتماعی و اقتصادی عمل می کند و ممکن است اینها را فراهم کنند.

تفاوت فرهنگی یا احساس عدم تعلق نیز یکی دیگر از ارکان بیان شده توسط شهر وندان است، بررسی نشان میدهد افراد فقیر به دلیل نوع و سبک زندگی خود و همچنین شرایط اقتصادی امکان دسترسی به برخی امکانات راندارد و در طی زمان برای این افراد احساس عدم تعلق و تفاوت های فرهنگی در شهر ایجاد می شود که در نهایت سبب طردشگی آن ها به حوزه های پیرامونی در شهر مشهد شده است به طور مثال:

از اول هم حس می کردم اون جا دیگه جای ما نیست... انگار خون ما با خون شهری ها فرق داره... ما یک سری بدیخت بیچاره باید می رفتم تا



۹. خروجی افزار مکس کیویدی ای (MAXQDA) از ابر واگان تم و مقوله های اصلی حوزه طرد فقره از شهر مرکزی مشهد به پیرامون.

ایجاد فشار و مشکلاتی مانند مسکن نامناسب و عدم توانایی در پرداخت اجاره یا هزینه‌های زندگی می‌شود. به همین دلیل، افراد بیشتری به دنبال گزینه‌های ارزان‌تر مسکن و هزینه‌های زندگی در مناطق پیرامونی می‌گردند. دلیل دیگر طرددشگی اجتماعی و سیاسی می‌تواند ناکامی در ارائه خدمات شهری در مناطق مرکزی باشد. راه حلی که برای کاهش طرددشگی افراد فقر قابل بررسی است، برنامه‌ریزی رفاهی و توزیع عادلانه خدمات د. تمام نقاط شهر است.

تبیین مدل نظری در این حوزه، نشان دهنده آن است که حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مکمل یکدیگر هستند و افراد صرفاً به دلایل طردشدنی اقتصادی به پیرامون کلان شهرها مهاجرت نمی‌کنند. از جمله راه کارهای ممکن برای مدیریت و کاهش طردشگی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. توسعه زیرساخت‌های شهری: ایجاد تسهیلات عمومی مانند حمل و نقل عمومی بهینه، پارک‌ها و فضاهای سبز، مراکز خرید و خدمات عمومی در مناطق مختلف شهری می‌تواند بهبود کیفیت زندگی شهروندان را تضمیم کند و از طریق داشتن آن‌ها حلگوگر، کند.

۲. ارائه فرصت‌های اقتصادی: ایجاد شرایط مناسب برای ایجاد شغل‌ها و فرصت‌های اقتصادی در مناطق مرکزی و پیرامونی شهر.

۳. تسهیل در دسترسی به مسکن مقرون به صرفه: ایجاد برنامه‌های مسکن مقرون به صرفه و ارائه تسهیلات وام مسکن با شرایط مناسب به افراد با درآمدهای پایین می‌تواند زمینه را برای ماندگاری آن‌ها در مناطق مرکزی فراهم کند.

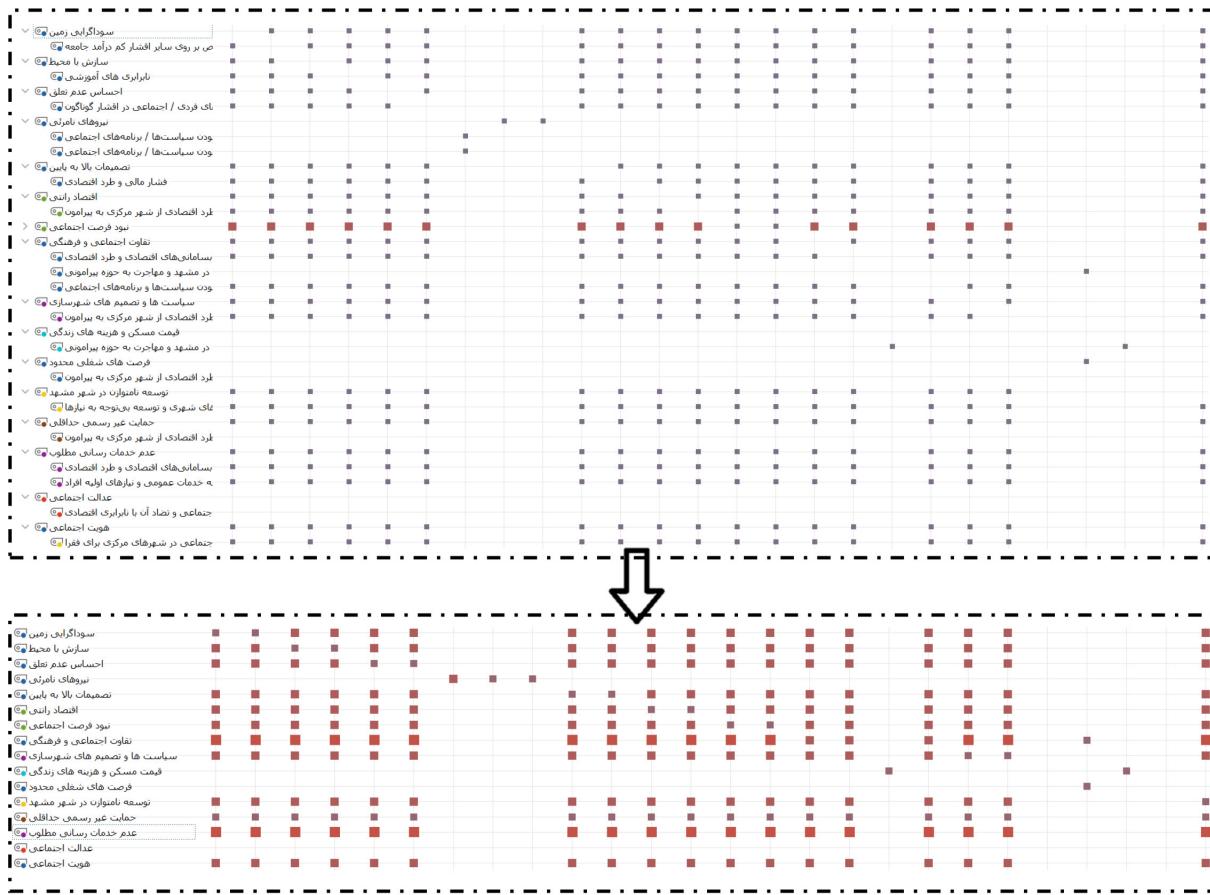
۴. ارتقاء شفافیت و عدالت اجتماعی: ایجاد فرصت‌های برابر در دسترسی به خدمات و منابع شهری، پیشگیری از فساد و تضمین حقوق

است که طردشدنی صرفاً اقتصادی نیست و ابعاد گونانون و پیچیده در این حوزه وجود دارد. در تصویر (۱۱) حاصل برخورد این سه حوزه اصلی که با استفاده از این گفتمان‌ها، مفاهیم موجود دسته‌بندی شدند و رابطه آن‌ها به تصویر کشیده شده است.

همچنین لازم به ذکر است، طرددشگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به معنای روندی است که شامل انتقال افراد، منابع و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از مناطق مرکزی یک شهر به مناطق پیرامونی یا حومه‌های آن می‌شود. این پدیده معمولاً به دلیل فشارهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله افزایش هزینه‌های مسکن و زندگی، کمبود فرصت‌های شغلی، نبود عدالت اجتماعی، تفاوت فرهنگی، عدم احساس تعلق و همچنین تغییرات در سیاست‌های شهرسازی و توسعه شهری رخ می‌دهد. بر اساس نتایج این پژوهش در مورد شهر مشهد، این پدیده به‌وضوح قابل مشاهده است. با افزایش جمعیت و توسعه شهری، هزینه‌های زندگی و مسکن در مناطق مرکزی افزایش یافته و فرصت‌های شغلی محدود شده است. به علاوه، با افزایش فعالیت‌های اقتصادی و گردشگری، فشار بر زیرساخت‌های شهری افزایش یافته و منجر به کاهش عدالت اجتماعی شده است. این شرایط باعث شده تا افراد با درآمدهای کمتر و توانایی مالی محدود به مناطق پیرامونی مانند حومه‌ها و حاشیه‌های شهر مهاجرت کنند تا هزینه‌های زندگی کمتری داشته باشند؛ فضاهای اقتصادی و اجتماعی مک‌شم فرا، کنند.

یکی از دلایل اصلی طردشده‌گی اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی و مسکن در مناطق مرکزی مشهد است. با توسعه و رشد شهر، قیمت مسکن و هزینه‌های روزمره افراد در مناطق مرکزی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این افزایش قیمت‌ها، برای افراد با درآمدهای محدود،

طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه
موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی



تصویر ۱۰. محورها و تمها انتخاب شده بر اساس نرم افزار مکس کیبودی ای (MAXQDA).

اجتماعی موجود در مناطق مرکزی رهایی یابند. در نهایت، همان‌طور که در این پژوهش نشان داده شده است، برخورد یکپارچه با این سه حوزه و اتخاذ تدابیر جامع و عادلانه، می‌تواند از گسترش طردشدنی جلوگیری کرده و به ایجاد شهری عادلانه‌تر و فراگیرتر کمک کند.

نتیجه

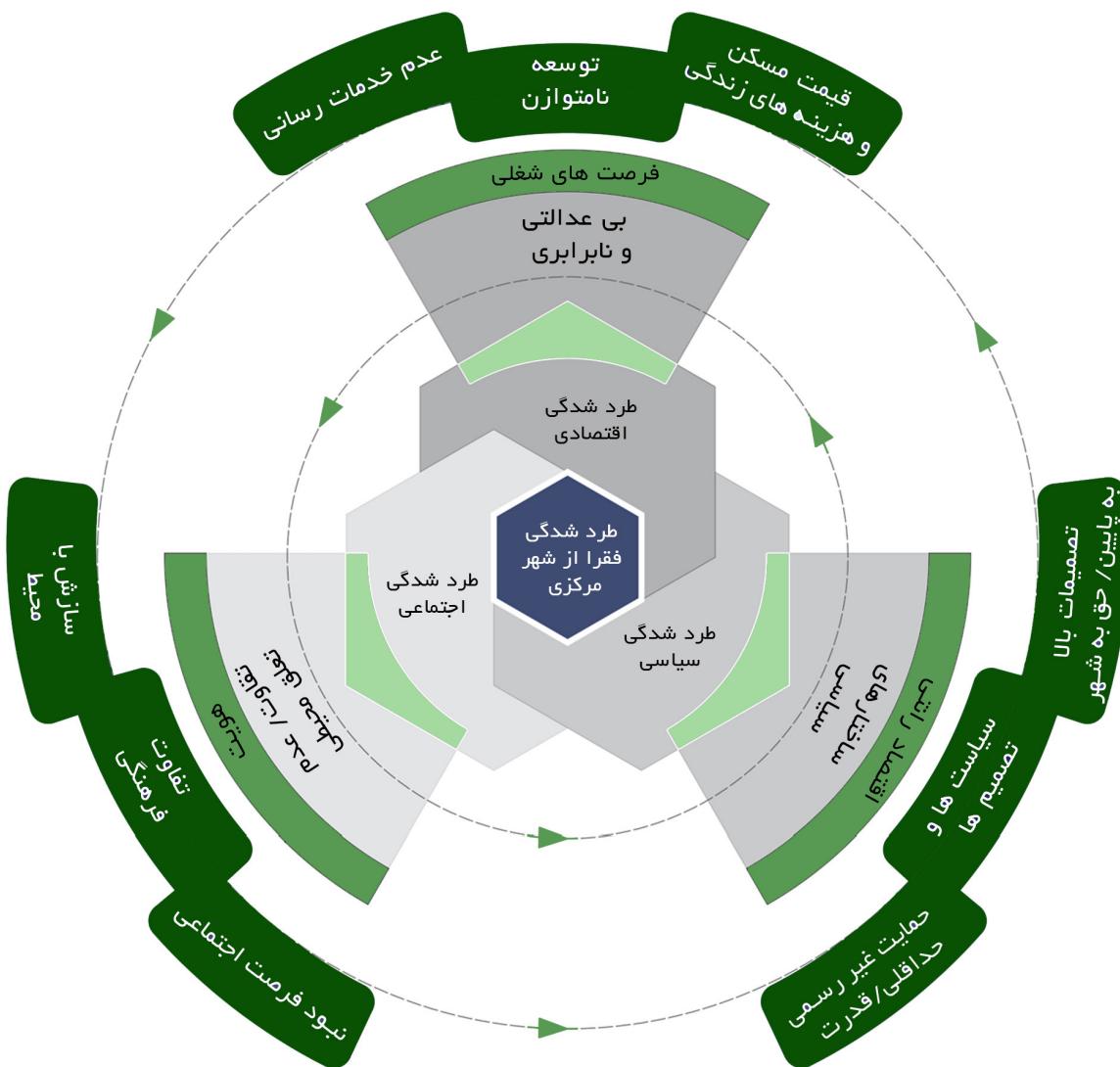
هدف از این پژوهش نگاه انتقادی به طرد فقرا از شهر مرکزی مشهد به حوزه پیرامونی است. همچنین شناخت محورهای اصلی تشکیل دهنده این مسئله انسانی نیز از سایر موضوعات بود که سعی شد در این پژوهش تا حد امکان به آن پاسخ داده شود. در این راستا با استفاده از دیدگاه انتقادی و روش تحلیل گفتمنان انتقادی فرکالف به بحث و تحلیل در مورد مطالعاتی (کلان شهر مشهد)، پرداخته شده است. مصاحبه در دستگاه انتقادی صورت گرفته و نتایج آن در غالب سه مرحله چرخشی توصیف، تفسیر و تبیین کدبندی شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال "محورهای طردشدنی فقرابه حوزه‌های پیرامونی در کلان شهر مشهد چیست؟" بوده است و در این راستا ۱۸ تا ۲۳ مقوله شناسایی شده‌اند. نتایج نشان دهنده آن است که سازش با محیط فرستهای شغلی محدود، سوداگرایی زمین، نیروهای نامنی، قیمت مسکن و هزینه‌های زندگی، قدرت، احساس عدم تعلق، حق به شهر، هویت، تفاوت فرهنگی، تصمیمات بالا به پایین، عدالت اجتماعی، اقتصادرانی،

شهروندان می‌تواند از طردشدنی اجتماعی و اقتصادی جلوگیری کند.

۵. مشارکت شهروندی فعال: ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی‌های مربوط به توسعه شهری و ارائه

در مجموع، مسئله طرد شهری در کلان شهرهایی مانند مشهد، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که نمی‌توان آن را صرفاً به یک جنبه خاص، مانند اقتصاد، محدود کرد. همان‌طور که تحلیل‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهند، طردشدنی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به صورت همزمان عمل می‌کنند و به شکلی درهم‌تئیدی، باعث جابجایی و حذف گروههای فقیر و آسیب‌پذیر از مناطق مرکزی شهر به مناطق حاشیه‌ای و پیرامونی می‌شوند. در واقع، این فرایند تنها به دلیل افزایش هزینه‌های مسکن و زندگی نیست، بلکه عدم وجود عدالت اجتماعی، کمبود فرصت‌های شغلی، و سیاست‌های ناعادلانه توسعه شهری نقش‌های مهمی در تشدید این پدیده ایفا می‌کنند.

عوامل سیاسی و اجتماعی، مانند سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری که به نفع مناطق مرتفع و توسعه‌یافته‌تر است و همچنین تبعیض‌های فرهنگی و اجتماعی که موجب احساس عدم تعلق در مناطق مرکزی می‌شود، نیز از دلایل مهم طردشدنی هستند. این فشارها باعث می‌شوند که افراد با درآمدهای پایین، که دسترسی محدودی به منابع و خدمات شهری دارند، مجبور به مهاجرت به حاشیه‌ها شوند تا از فشارهای مالی و



تصویر ۱۱. مدل نظری پژوهش.

در مناطق روستایی و حومه شهر، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی در مناطق محروم و ارائه برنامه‌های مسکن متناسب با درآمد افراد است. در نهایت، تنها با همکاری و هماهنگی میان مخاطبان مختلف می‌توان به حل این مشکلات اجتماعی پرداخت و شرایط مساوی‌تری برای تمامی افراد شهری فراهم آورد. امید است این پژوهش گامی هر چند کوچک در جهت ترسیم مسیری مؤثر و کارآمد برای مدیریت و کنترل طردشده‌ی فقر از شهر مرکزی به مناطق پیرامونی باشد.

در نتیجه، تحلیل انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که پدیده طردشده‌ی در کلان‌شهر مشهد تنها به یک عامل محدود نمی‌شود، بلکه نتیجه تعامل پیچیده و چندوجهی نیروهای اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی است که به طور هم‌زمان در حال اثرگذاری هستند. همان‌طور که در نتایج این پژوهش مشهود است، مفاهیمی مانند «نیروهای نامرئی» به عوامل زیرساختی و سیاست‌های غیرمستقیمی اشاره دارند که به طور سیستماتیک بر زندگی طبقات محروم اثر می‌گذارند و به نوعی مانع از دسترسی آن‌ها به فرصت‌ها و منابع شهری می‌شوند. هم‌چنین

سیاست‌ها و تصمیم‌ها، توسعه نامتوازن، حمایت غیر رسمی حداقلی، عدم خدمات رسانی مطلوب، نبود فرصت اجتماعی از محورهای اصلی در این طردشده‌ی است. هم‌چنین در مجموعه نوی طردشده‌ی در این حوزه شناسایی شد که شامل طردشده‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. از محدودیت‌های اصلی پژوهش می‌توان به عدم همکاری سیاری از افراد در هنگام مصاحبه، عدم اجازه برای ضبط صدا و سایر موضوعات اشاره داشت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی بر روی هر کدام از طردشده‌یها به صورت تفکیک شده مطالعات عمیق‌تری صورت گیرد تا نتایج دقیق‌تری حاصل شود. این پدیده، ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فضایی است که سبب ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود. علل طردشده‌ی شامل افزایش هزینه‌های زندگی و مسکن در مناطق مرکزی، کاهش فرصت‌های شغلی و کمبود درآمد برای زندگی در مناطق شهری است. این وضعیت منجر به پیامدهای منفی از جمله بیکاری، افزایش جرایم و کاهش دسترسی به خدمات اساسی می‌شود. رویکردهای مقابله شامل ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی

طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی

دارند، ضرورت دارد. راه کارهای پیشنهادی شامل بازنگری در سیاست‌های توسعه شهری، ارتقاء تسهیلات مسکن مقرر به صرفه، ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق مرکزی و پیرامونی و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی است. از سوی دیگر، توجه به عدالت اجتماعی و تضمین دسترسی برابر به منابع شهری می‌تواند مانع از تداوم این روند طردشده‌گی شود. به علاوه، تنها از طریق همکاری میان نهادهای حکومتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی می‌توان به کاهش اثرات منفی این پدیده دست یافت و شرایط زندگی عادلانه‌تری برای تمامی شهروندان فراهم کرد.

«سوداگری زمین» به عنوان یکی از عوامل اصلی طردشده‌گی شناخته شد که با افزایش قیمت زمین و مسکن، فشار اقتصادی بر افسار کمد آمد را افزایش داده و آن‌ها را مجبور به جابجایی به مناطق پیرامونی می‌کند. این عوامل، به همراه عواملی مانند نبود عدالت اجتماعی و فرصت‌های شغلی محدود، باعث می‌شود تا این جابجایی نه تنها یک فرآیند اقتصادی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی-فضایی باشد که نابرابری‌ها را در شهرهای بزرگ تشدید می‌کند.

در این راستا، توسعه رویکردهای جامع تر و سیاست‌گذاری‌های شهری که توانایی مقابله با این نیروهای نامرئی و فشارهای سوداگری زمین را

مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصلنامه نقش جهان، ۱(۵)، ۸۴-۷۵.

<http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-816-fa.html>

داداش‌پور، هاشم؛ شجاعی، دلارام (۱۴۰۱)، کاربست پارادایم انتقادی در فهم عدالت فضایی در حاشیه کلانشهر تهران مورد مطالعه: اسلامشهر و شهر قدس، نشریه هنرهای زیبا، ۲۷، (۱)، ۳۳-۱۹.

Doi:10.22059/jfaup.2022.334565.672720

دهزاده سیلاپی، پروین؛ احمدی‌فرد، نرگس (۱۴۰۱)، تجزیه و تحلیل فقر شهری با تأثید بر شاخص‌های اجتماعی بین سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ (مطالعه موردی: شهر اردبیل)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴(۵۴)، ۱۳۲۲-۱۳۲۹.

<http://doi.org/10.22059/jhgr.2021.315697.1008223>

فرهادی خواه، حسین؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ شاهی، عارف؛ ظفری، سعید (۱۳۹۶)، تحلیل فضایی فقر شهری در سطح محله‌ها (نمونه‌پژوهی: شهر مشهد)، نشریه اقتصاد شهری، ۲(۲)، ۳۶-۱۷.

<http://doi.org/10.22108/ue.2018.108525.1049>

رشیدی، پیام؛ ناجی میدانی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان خراسان رضوی (۱۳۸۵-۱۳۹۱). اقتصاد و الگوسازی، ۱۵-۱۳۳، (۱۵)، ۱۳۹۱-۱۳۸۵.

https://ecojsbu.ac.ir/article_53497.html

رفیعیان، مجتبی؛ راهد، نفیسه (۱۴۰۰)، تحلیل فضایی تله‌های فقر و محرومیت شهری در شهر قم، نشریه آمایش محیط، ۱۴، (۵۴)، ۲۱-۴۶.

<https://sanad.iau.ir/journal/ebtp/Article/686876?id=686876>

روستایی، شهریور؛ کریم‌زاده، حسین و زادولی، فاطمه (۱۳۹۱)، الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۱۳۷۵-۸۵، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۳(۱۲)، ۱۷-۴۰.

https://irangn.ir/article_view.php?rahgiri=3143696125623453

روستایی، شهریور؛ کریم‌زاده، حسین و زادولی، فاطمه (۱۳۹۷)، مقایسه تحلیل آمار فضایی با آمار کلاسیک در تحلیل شاخص‌های اجتماعی فقر شهری تبریز، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۸(۳۱)، ۱۵۳-۱۶۶.

https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article_3086.html

رهنم، محمد رحیم؛ رضوی، محمد محسن؛ کاظمی، مهدی؛ اسدی، امیر؛ حیانی، سلمان و رکنی، صفیه (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر در دسترسی خانوارهای حاشیه‌نشین منطقه‌ی سه شهر مشهد به اینترنت با استفاده از روش

شکه‌های عصبی، جغرافیا و توسعه فضایی شهری، ۱(۱)، ۱۷-۳۶.

<https://doi.org/10.22067/gusd.v0i0.19944>

Zahedi Mazandarani, Mohammad Javad (۱۳۸۴). فقر رستایی، روند و اندازه گیری آن در ایران (تبیین روش‌ها و نقد رویکردها). رفاه اجتماعی، ۱۷(۴)، ۱۷۱-۱۹۸.

فهرست منابع

اسکندری ثانی، محمد؛ زیلا، سجادی (۱۳۹۳)، کنش جمعی، توسعه اجتماعات محلی و نقش آن‌ها در کاهش فقر شهری موردنظر: نعمت آباد تهران، نشریه جغرافیا و آمایش-شهری-منطقه‌ای، ۴(۱)، ۳۱-۴۸.

<http://doi.org/https://doi.org/10.22111/gaij.2014.1541>

امان‌پور، سعید؛ حسینی سیاه‌گلی (۱۳۹۹)، مدل‌سازی تأثیرات فقر شهری بر ساختار فضایی-کالبدی بافت‌های فرسوده (مطالعه موردی: شهر ایند)، جغرافیای اجتماعی شهری، ۲(۱۷)، ۱-۱۵.

<http://doi.org/https://doi.org/10.22103/JUSG.2020.2019>

ایرانخواه، احمد؛ مومنی، حسن (۱۳۹۶)، بررسی فقر و عوامل آن در شهر تهران، پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۲(۱۶)، ۳۴-۵۲.

URL: <http://ijndibs.com/article-1-162-fa.html>

بوستان احمدی، وحید؛ حاجی‌پور، مریم؛ مخصوصی، نفیسه و هابی، محمد (۱۴۰۲)، سنجش و تحلیل فضایی توزیع فقر شهری در شهرهای میانه‌اندام (مطالعه موردی: شهر بناب)، ساماندهی اقتصاد‌فضا، ۱(۱)، ۱-۱۵.

<https://sanad.iau.ir/Journal/jose/Article/783059>

پورتکارونی، محمد؛ شارع‌پور، محمود (۱۳۹۹)، فقر شهری در ایران؛ فراتحلیل و یک مرور نظاممند، مطالعات ساختار و کارکرد شهری؛ ۷(۲۲)، ۶۱-۵۲.

Doi:10.22080/usfs.2020.16578.1811

پوررجی، میلاد؛ مجدى، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد، مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان، ۱۳(۴)، ۳۵-۶۰.

Doi:10.22034/fakh.2020.193879.1346

پیوسته‌گر، یعقوب؛ مرادی، الهه و کریم‌زاده، عبدالملک (۱۴۰۱)، بررسی و تحلیل فضایی فقر شهری (نمونه موردی شهر یاسوج)، پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، ۳(۷)، ۷۷-۶۴.

<http://doi.org/https://doi.org/20.1001.1.27173747.1401.3.7.4>

داداش‌پور، هاشم؛ الوندی‌پور، نینا (۱۳۹۵)، عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران؛ فرامطالعه چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود، نشریه هنرهای تبریز، ۳(۲۱)، ۶۷-۸۰.

<http://doi.org/10.22059/JFAUP.2016.61103>

داداش‌پور، هاشم؛ شجاعی، دلارام (۱۴۰۱)، نابرابری فضایی و رابطه مرکز-پیرامون در ایران: ارائه یک مدل نظری با استفاده از روش نظریه‌پردازی لینهایم، آمایش سرزمین، ۱۴(۱)، ۲۵-۵۹.

<http://doi.org/10.22059/jtcp.2022.334526.670279>

داداش‌پور، هاشم؛ رستمی، فرامرز (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی، مجله جغرافیا و توسعه تاحیه‌ای، ۱(۹)، ۱۷۱-۱۹۸.

Doi:10.22067/geography.v9i16.11034

داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز (۱۳۹۴)، تبیین چارچوب

- نورمحمدی، مهدی؛ حاتف، حاضری (۱۳۹۰)، عوامل مرتبط با فقر شهری ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵، *نشریه رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۰)، ۳۶۷-۴۰۰. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-522-fa.html>
- نورایی، همایون؛ شفیع، فائزه (۱۳۹۹). واکاوی ارتباط بین فقر اجتماعی اقتصادی و محرومیت کالبدی کارکردی در مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۱(۳)، ۷۸-۶۱. <http://doi.org/10.22108/gep.2020.118816.1194>
- نیکپور، ع؛ حسنعلیزاده، م. ۱۳۹۷. الگوی فضایی فقر و طلاق در شهر قائم‌شهر، دوفصلنامه جغرافی اجتماعی شهری، سال ۵، شماره ۲، ص ۱۰۷-۱۴۰. https://jusg.uk.ac.ir/article_2202.html
- نیکپور، ع؛ لطفی، ص. و حسنعلیزاده، م. ۱۳۹۸. تحلیل فضایی فقر شهری با روش تحلیل عاملی؛ نمونه مطالعه: قائم‌شهر، برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال ۹، شماره ۱، ص ۱۰۳-۱۲۴. https://sppl.ui.ac.ir/article_23620.html
- هاشمی، عبدالرسول؛ ازکیا، مصطفی؛ موسوی، سید یعقوب (۱۴۰۲). فقر شهری به مثابه طرد اجتماعی از بازار کار: راهبردها و پیامدها مطالعه موردی: مهاجران فقیر روزتایی شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۴(۵۷)، ۱-۵۰. <http://doi.org/10.22054/qjsd.2022.69338.2387>
- Abbas, A., Zhang, H., & Yin, Y. (2019). Discourse analysis in education: Theory and practice. *Palgrave*. <https://sciendo.com/article/10.2478/jtes-2019-0010>
- Banerjee, A. V., & Duflo, E. (2012). Poor economics: A radical rethinking of the way to fight global poverty. *PublicAffairs*. https://books.google.com/books/about/Poor_Economics.html?id=2dlnBoX4licC
- Bane, M. J. (1991). Poverty and place: Ghettos, barrios, and the American city. *Harvard University Press*. <https://jargowsky.camden.rutgers.edu/poverty-and-place-ghettos-barrios-and-the-american-city/>
- Bourguignon, F., & Chakravarty, S. R. (2003). The measurement of multidimensional poverty. *The Journal of Economic Inequality*, 1(1), 25-49. <https://link.springer.com/article/10.1023/A:1023913831342>
- Brady, D., Fullerton, A. S., & Cross-, J. M. (2009). Poverty and the differential impact of inequality on poverty among affluent democracies. *American Sociological Review*, 74(5), 635-656. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/20976971/>
- Briggs, X. d. S. (2005). The geography of opportunity: Race and housing choice in metropolitan America. *Brookings Institution Press*. <https://www.amazon.com/Geography-Opportunity-Housing-Metropolitan-America/dp/0815708734>
- Bronner, S. E. (2017). Critical theory: A very short introduction. *Oxford University Press*. <https://www.amazon.com/Critical-Theory-Very-Short-Introduction/dp/0199730075>
- Butler, S. M., & Rother, J. (2023). Tackling the legacy of persistent urban inequality and concentrated poverty. *Brookings Institution*. Retrieved from <https://www.brookings.edu>
- Chakravorty, S., & Galdo, V. (2019). Urbanization and poverty reduction: The role of rural diversification and secondary towns. *World Bank Publications*. <http://documents.worldbank.org>
- SID. <https://sid.ir/paper/381627/fa.322-286>
- زبردست، اسفندیار؛ رمضانی، راضیه (۱۳۹۵)، سنجش فقر شهری و ارتباط آن با دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین، *مجله هنرهای زیبا*، ۲۱(۲)، ۵۴-۴۵. <http://doi.org/45.54.10.22059/jfaup.2016.60160>
- سرگزی، زهرا؛ محمدی، علیرضا؛ خمر، غلامعلی و ایمانی، بهرام (۱۴۰۰)، شناسایی و تحلیل فضایی پهنه‌های فقر شهری. *مطالعه موردی: شهر راهدان، مجله آمایش جغرافیایی فضایی*، ۱۱(۴۰)، ۵۵-۷۰. <http://doi.org/10.30488/gps.2020.182972.3035>
- سلطانی، سحر؛ فیضی، مهدی و رزمی، سید محمد جواد (۱۴۰۰)، بررسی ورود دام فقر تغذیه محور در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد: مطالعه موردی محله شهید قربانی، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲۱(۴۷)، ۱-۲۵. <http://doi.org/10.22054/qjsd.2021.54825.2034>
- سلیمانی مقدم، هادی؛ زندی، رهنمای اکبری، ابراهیم (۱۴۰۰)، پهنه‌بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل‌های مکانی (مورد مطالعه: شهر مشهد)، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱(۶۰)، ۲۳۹-۲۵۸. URL: http://jgs.knu.ac.ir/article_1-3391-fa.html
- غفاری گیلاده، عطا؛ ده ده زاده سیلاپایی، پروین؛ نظمفر، حسین؛ محمدی، علیرضا (۱۳۹۸)، شناسایی و تحلیل فضایی گستره‌های فقر شهری با استفاده از آمار فضایی در محیط GIS مطالعه موردی: شهر اردبیل، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۹(۳۶)، ۲۴۷-۲۶۲. https://www.jgeoqeshm.ir/article_99040.html
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۰)، بانک‌هایی برای فقرا (خرده اعتبارها و مدیریت فقر در کشورهای در حال توسعه)، *بورس شهر*، ۲۶(۱)، ۲۶-۱۳. <http://noo.rs/BKY2g>
- قربانی، رسول؛ خوارزمی، امیدعلی؛ ترکمن نیا، نعیمه (۱۳۹۸)، تحلیل تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی کلان شهر مشهد، *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۱(۲)، ۸۵-۳۷۳. <http://doi.org/10.22059/jhgr.2017.230452.1007433>
- گودرزی، مجید؛ مرادی، هوشنگ (۱۴۰۱)، بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر پدیده‌ی فقر شهری در کلان شهر اهواز، *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۲(۶۴)، ۲۴۷-۲۶۲. <http://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2074>
- لطفي، صديقه؛ حسنعليزاده، ميلاد (۱۳۹۹)، تحليل فضائي فقر شهری در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد) *مجله پژوهش‌های دانش زمین*، ۱۱(۱)، ۱۵۲-۱۶۸. <http://doi.org/10.52547/esrj.11.1.152>
- لطفي خاچکي، طاهره؛ اکبری، حسین؛ کرماني، مهدی (۱۴۰۳)، شکستن چرخه فقر: راهبردهایی برای ساکنان کم درآمد مناطق شهری (مطالعه مورد شهر مشهد)، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، ۷(۱)، ۳۲۲-۳۵۲. <http://doi.org/10.22126/ipes.2024.9366.1585>
- مجدى، على؛ انوريريان سيدعلی‌رضان (۱۴۰۲)، تحليل رابطه طرد اجتماعي با ظرفیت‌های کارآفرینی اجتماعی در ترک اعتماد زنان و دختران معتمد، *علوم اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۱۵۰-۱۴۰. <http://doi.org/10.22067/social.2023.73597.1102>
- موحد، على؛ ولی‌نوری، سامان؛ حاتمی‌بنزااد، حسین؛ زنگانه، احمد؛ کمانروdi کجوری، موسی (۱۳۹۵)، تحليل فضائي فقر شهری در کلان شهر تهران، *فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۱۵(۴)، ۱۹-۳۶. https://urs.ui.ac.ir/article_20007.html
- نظمفر، حسین؛ عشقی چهاربرج، على؛ علوی، سعیده (۱۳۹۸)، پایش توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور، *نشریه مجلس و راهبرد*، ۲۶(۱۰۰)، ۱۴۹-۲۶. https://nashr.majles.ir/article_343.html

طرد فقرا از شهر مرکزی به نواحی پیرامونی در کلان شهرهای ایران؛ مطالعه
موردی: کلان شهر مشهد و نواحی پیرامونی

curated/en/721011468303530295/Urbanization-and-poverty-reduction-the-role-of-rural-diversification-and-secondary-towns

Chilton, P., & Schäffner, C. (2002). Politics as text and talk: Analytic approaches to political discourse. *John Benjamins Publishing Company*. <https://benjamins.com/catalog/dapsac.4?rsrltid=AfmBOorAsRLEd8Q7aUG330C78i-i7Yscd8xOPUFQ2jbenz0MwejPBgna>

Desmond, M. (2016). Evicted: Poverty and profit in the American city. *Crown Publishers*. <https://psycnet.apa.org/record/2016-12857-000>

Duflo, E., & Banerjee, A. (2019). Good economics for hard times. *PublicAffairs*. <https://gdsnet.org/BanerjeeandDufloGoodEconomicsforHardtimes2019.pdf>

Edwards, D., & Potter, J. (1992). Discursive psychology. *Sage Publications*. <https://psycnet.apa.org/record/1992-98054-000>

Fairclough, N. (1995). Critical discourse analysis: The critical study of language. *Longman*. <https://www.felsemiotica.com/descargas/Fairclough-Norman-Critical-Discourse-Analysis.-The-Critical-Study-of-Language.pdf>

Fairclough, N. (2001). Language and power. *Longman*. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781315838250/language-power-norman-fairclough>

Fairclough, N. (2003). Analyzing discourse: Textual analysis for social research. *Routledge*. https://books.google.com/books/about/Analysing_Discourse.html?id=V4SOKoy2vEIC

Fairclough, N. (2010). Critical discourse analysis: The critical study of language. *Routledge*. <https://www.routledge.com/Critical-Discourse-Analysis-The-Critical-Study-of-Language/Fairclough/p/book/9781405858229?rsrltid=AfmBOoqVw2ixUPmhengYN6uIzGq482Zg5zqKDacJipf1MZjkKXWDaSab>

Fasel, D., Filomena, I., & Santos, B. (2023). Urban poverty and nutrition challenges associated with accessibility to a healthy diet: A global systematic literature review. *International Journal for Equity in Health*, 22(1), 1-23. <https://doi.org/10.1186/s12939-023-01712-3>

Florida, R. (2017). The new urban crisis: How our cities are increasing inequality, deepening segregation, and failing the middle class and what we can do about it. *Basic Books*. <https://www.amazon.com/New-Urban-Crisis-Increasing-Segregation/dp/0465079741>

Foucault, M. (1980). Power/knowledge: Selected interviews and other writings, 1972-1977 (C. Gordon, Ed.). *Pantheon Books*. https://books.google.com/books/about/Power_Knowledge.html?id=Aqf309sk_EsC

Gee, J. P. (2005). An introduction to discourse analysis: Theory and method. *Routledge*. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781315819679/introduction-discourse-analysis-james-paul-gee>

Glaeser, E. (2011). Triumph of the city: How our greatest invention makes us richer, smarter, greener, healthier, and happier. *Penguin Press*. <https://www.amazon.com/Triumph-City-Greatest-Invention-Healthier/dp/0143120549>

Jäger, S. (2001). Discourse and knowledge: A sociocognitive approach. *Sage Publications*.

https://www.degruyter.com/document/doi/10.1515/cog-2015-0016/pdf?rsrltid=AfmBOore1aicQvi5_P7uk3oYKou34vUdnICfdzZKiKXF2PrLPSfzG0rk

Jargowsky, P. A. (2015). The architecture of segregation: Civil unrest, the concentration of poverty, and public policy. *The Century Foundation*. Retrieved from <https://tcf.org/content/report/the-architecture-of-segregation/>

Jørgensen, M., & Phillips, L. (2002). Discourse analysis as theory and method. *Sage Publications*. <https://methods.sagepub.com/book/mono/discourse-analysis-as-theory-and-method/toc>

Krugman, P. (2004). The great unraveling: Losing our way in the new century. *W.W. Norton & Company*. https://books.google.com/books/about/The_Great_Unraveling.html?id=2qyJpnOrvelC

Lewis, T. E. (2011). A critical theory of education: Habermas and our children's future. *Palgrave Macmillan*. <https://www.amazon.com/Critical-Theory-Education-Contemporary-Educational/dp/0807730181>

Lichter, D. T., Parisi, D., & Taquino, M. C. (2021). Understanding trends and drivers of urban poverty in American cities. *Urban Affairs Review*, 57(5), 1234-1256. <https://doi.org/10.1177/10780874211014521>

Linell, P. (2009). Rethinking language, mind, and world dialogically: Interactional and contextual theories of human sense making. *Information Age Publishing*. https://books.google.com/books/about/Rethinking_Language_Mind_and_World_Dialo.html?id=53i2OCQTVPkC

Paltridge, B., & Mayr, P. (2015). Discourse analysis: An introduction. *Bloomsbury Academic*. <https://www.bloomsbury.com/uk/discourse-analysis-9781350093638/>

Paul, R., & Elder, L. (2002). Critical thinking: Tools for taking charge of your professional and personal life. *Financial Times Prentice Hall*. <https://ptgmedia.pearsoncmg.com/images/9780133115284/samplepages/0133115283.pdf>

Phillips, N., & Hardy, C. (2002). Discourse analysis: Investigating processes of social construction. *Sage Publications*. https://books.google.com/books/about/Discourse_Analysis.html?id=SVJiAAAAMAAJ

Richardson, J. E. (2007). Analyzing newspapers: An approach from critical discourse analysis. *Palgrave Macmillan*. <https://www.amazon.com/Analysing-Newspapers-Approach-Critical-Discourse/dp/1403935653>

Renkema, J. (2004). Introduction to discourse studies. *John Benjamins Publishing Company*. https://benjamins.com/catalog/z.124?rsrltid=AfmBOooaxTLz_AMTYywMq-j6gtigHBViIsoldk5iaZzGdj3wh30M2M0cn

Sachs, J. (2005). The end of poverty: Economic possibilities for our time. *Penguin Press*. https://www.economia.unam.mx/cedrus/pdf/jeffrey_sachs_the_end_of_poverty_economic_possibilities_for_our_time_2006.pdf

- Schechter, D. (2002). Critical theory: The key concepts. Routledge. https://www.routledge.com/Critical-Theory-The-Key-Concepts/Felluga/p/book/9780415695657?srsltid=AfmBOo07CgjnYFXL9lzGK_FVGq1NnTHWILtZ0ZlgFala02MQxNzCcIQN
- Sen, A. (1981). Poverty and famines: An essay on entitlement and deprivation. Oxford: Clarendon Press. <https://academic.oup.com/book/32827>
- Sharkey, P. (2018). The long-term effects of neighborhood poverty: A review of recent research. Annual Review of Sociology, 44(1), 301-324. <https://doi.org/10.1146/annurev-soc-073117-041120>
- Strauss, S., & Feiz, P. (2014). Discourse analysis: Putting our worlds into words. Routledge. <https://www.routledge.com/Discourse-Analysis-Putting-Our-Worlds-into-Words/Strauss-Feiz/p/book/9780415522199?srsltid=AfmBOooMOe0P1jk87gb2NoydjQxM8sMzHXsnxzoGvZe9slN-gZ3LfWgH>
- Titscher, S., Meyer, M., Wodak, R., & Vetter, E. (2000). Methods of text and discourse analysis: In search of meaning. Sage Publications. https://books.google.com/books/about/Methods_of_Text_and_Discourse_Analysis.html?id=DK4mFLLeMorQC
- Tyson, L. (2006). Critical theory today: A user-friendly guide. Routledge.
- United Nations. (2018). The Sustainable Development Goals report 2018. United Nations Publications. Retrieved from <https://unstats.un.org/sdgs/report/2018>
- Van Dijk, T. A. (1998). Ideology: A multidisciplinary approach. Sage Publications. <https://books.google.com/books/about/Ideology.html?id=96kFcT-lZ7oC>
- Van Dijk, T. A. (2009). Society and discourse: How social contexts influence text and talk. Cambridge University Press. <https://discourses.org/wp-content/uploads/2022/06/Teun-A.-van-Dijk-2009-Society-And-Discourse.-How-Social-Contexts-Influence-Text-And-Talk.pdf>
- Van Dijk, T. A. (2011). Discourse studies: A multidisciplinary introduction. Sage Publications. <https://sk.sagepub.com/book/edvol/discourse-studies-2e/toc>
- Van Leeuwen, T. (2008). Discourse and practice: New tools for critical discourse analysis. Oxford University Press. https://www.academia.edu/36639478/Van_Leeuwen_Theo_Discourse_and_Practice_New_Tools_for_Critical_Discourse_Analysis
- Walton, D. (2008). Critical thinking: An introduction. Cambridge University Press. <https://www.cambridge.org/core/books/critical-thinking/DB1523E66F8D0DBCC2F9602BB1EAE254>
- Wetherell, M., Taylor, S., & Yates, S. J. (Eds.). (2001). Discourse theory and practice: A reader. Sage Publications. https://books.google.com/books/about/Discourse_Theory_and_Practice.html?id=uDFvN1M3_sMC
- Wink, J. (2009). Critical pedagogy: Notes from the real world. Pearson. <https://www.amazon.com/Critical-Pedagogy-Notes-Real-World/dp/0137028733>
- World Bank. (1990). World development report 1990: Poverty. Washington, DC: World Bank. <https://worldpoverty.io/>